H A F T - E - S O B H D A I L Y

هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
یکشنبه | ۲۳ شهریور ۱۴۰۴ | شماره ۴۱۴۶
۸ صفحه | قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

از زارا و نایکی و منگو تا کارگاه‌های بنگلادش و پاکستان

پوشاک خارجی فریب با برچسب تقلبی

صفحه ۲

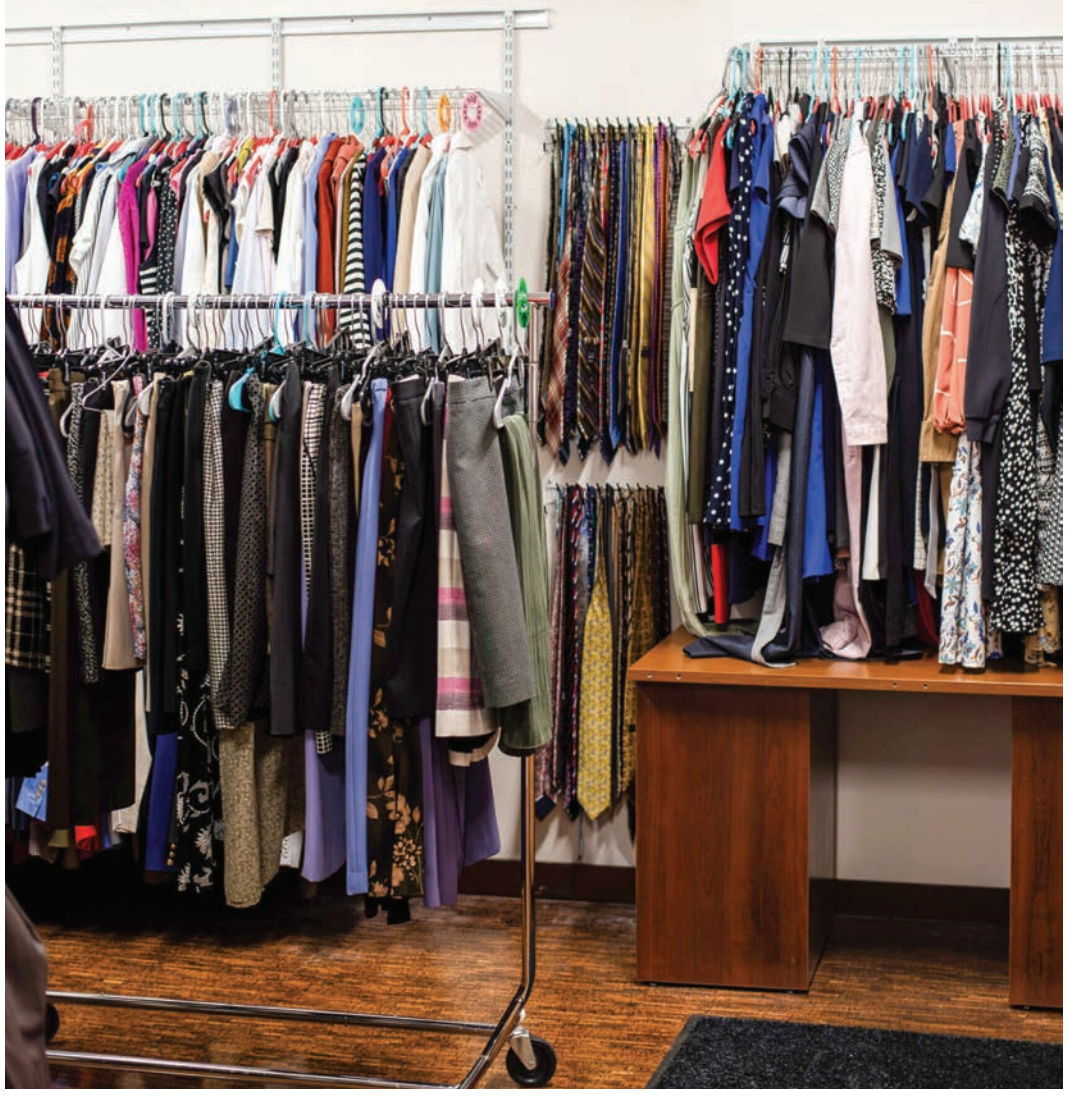

نگاهی به پدیده سرقت آثار فرهنگی از دوره رنساس تاکنون در ایران و جهان

تاراج هنر

تجارت پرسود جهانی

در سطح جهانی سرقت از موزه‌ها، گالری‌ها و تابلوهای نقاشی رایج و در ایران حفاری‌های غیرمجاز و غارت محوطه‌های باستانی انجام می‌شود

صفحه ۵

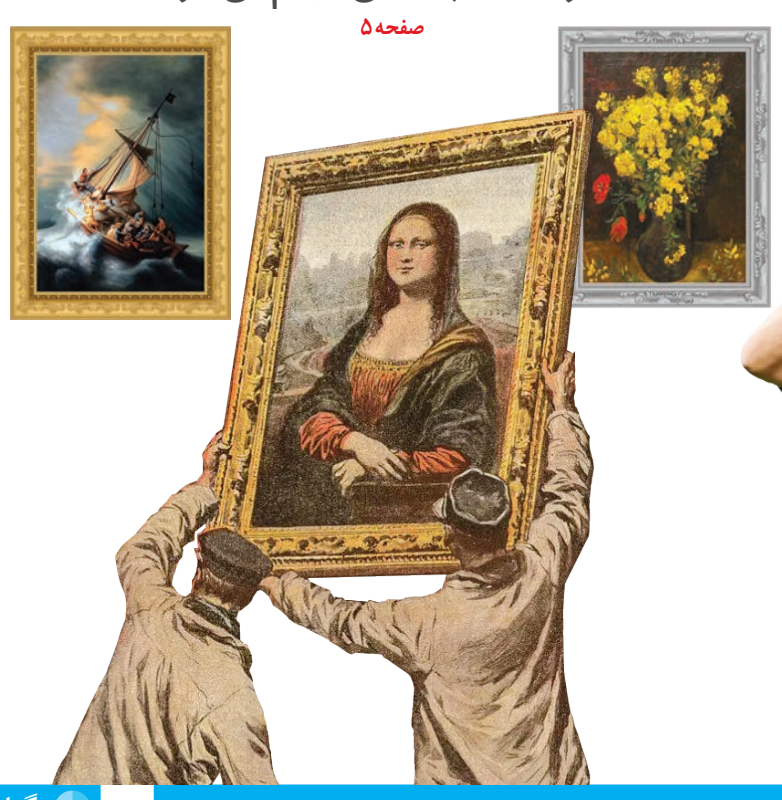

روایت دو درختی که حافظه جمعی تهران را ساخته‌اند

پایان نوستالژی سبز «کاج» و «سرو»

به گفته کارشناسان، کاشت درختان سوزنی در دنیا منسوخ شده و جای خود را به درختان پهن برگ داده است

صفحه ۶

این چه کاری بود خانم فرشته حسینی؟!

اندر احوالات همسر نوید محمدزاده و جنجالی که با نوع لباس‌هایش در تورنتو رقم زد

صفحه ۸

سرنوشت مبهم عامل تجاوز به ۹ زن تهرانی

شیطان لویزان پای میز محاکمه می‌رود

صفحه ۷

فهرستی برای تغییر نسل

آقای قلعه‌نویی به این اسامی دقت کنید!

بازی‌های تیم امید ایران همه ما را امیدوار کرد که چشمه جوشان استعداد در فوتبال این مملکت هنوز خشک نشده است

صفحه ۷

یادداشت

وزارت میراث فرهنگی به جای مرمت، سرگرم نشست‌های تبلیغاتی است

بیستون؛ جایی که سنگ‌ها فریاد می‌زنند و مسئولان سکوت می‌کنند

کارشناسان: «بیستون در حال مرگ است و مسئولان فقط عکس یادگاری می‌گیرند»

محمد عبدالعلی‌پور
هفت صبح

صبح زود، وقتی مه نازک پای کوه‌های زاگرس را پوشانده، از جاده باریکی که به دشت بیستون می‌رسد، ناگهان دیوار سترگ کوه خود را نشان می‌دهد. این جا همان جایی است که داریوش بزرگ در ۲۵۰۰ سال پیش، تاریخ خود و سرزمینش را بر سنگ حک کرد. کتیبه بیستون نه فقط سندی ایرانی، که سندی جهانی است؛ «شناسنامه تاریخ ایران» که امروز در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است. اما اگر قدمی جلوتر بروی و سنگ‌ها را لمس کنی، صدای دیگری به گوش می‌رسد: ترک‌های ریز، خطوطی که به آرامی محو می‌شوند، نقش‌برجسته‌هایی که جزئیاتشان هر سال کم‌رنگ‌تر می‌شود. این صحنه دیگر شکوه نیست، فریادی خاموش است از سنگ‌هایی که دارند زیر بار بی‌توجهی و غفلت خرد می‌شوند.

باران پاییزی که بر دشت می‌بارد، دیگر آن باران پاک هزار سال پیش نیست. قطره‌ها آلوده‌اند، اسیدی‌اند و هر بار که بر کتیبه هخامنشی می‌ریزند، بخشی از خطوط میخی محو می‌شود. این همان متنی است که دانشگاه‌های جهان سال‌هاست آن را می‌خوانند تا تاریخ و زبان باستان را بشناسند، اما امروز در برابر چشمان ما آرام‌آرام پاک می‌شود. از آن سوی دشت، دود سیاه صنایع پتروشیمی کرمانشاه بالا می‌رود و روی سنگ‌ها می‌نشیند. ترکیب دود و باران همان چیزی است که کارشناسان سال‌هاست هشدار داده‌اند: «مرگ خاموش بیستون.» اما این هشدارها هرگز گوش شنوایی در وزارت میراث فرهنگی پیدا نکرده است. فرونشست زمین در حریم محوطه به چشم می‌آید. شکاف‌های باریک روی خاک، نشانه‌ای است از تهدیدی جدی‌تر. کارشناسان میراث در گفت‌وگو با هفت‌صبح می‌گویند اگر این روند ادامه یابد، بخشی از آثار تاریخی ممکن است دچار فروپاشی شوند. اما باز هم پاسخ مسئولان، سکوت یا وعده‌هایی مبهم است. خبرنگار هفت‌صبح در پیگیری این وضعیت تلاش نمود از مدیران وزارت میراث پاسخی شفاف بگیرد. یک مدیر محلی در پاسخ به این سوال که: «برای جلوگیری از این فرونشست چه کرده‌اید؟» جواب کلیشه‌ای داد: «همه چیز تحت کنترل است.» جمله‌ای که بیشتر به تمسخر می‌ماند تا پاسخ.

بیستون؛ موزه‌ای زنده که در حال مرگ است

بیستون فقط یک کتیبه نیست. بیش از ۲۸ اثر تاریخی ثبت ملی در این محوطه قرار دارد: مجسمه هرکول، نقش‌برجسته‌های اشکانی، فرهادتراش عظیم، کاروانسرای ایلخانی، پل تاریخی، غارهای کهن و نیایشگاه مادی. هر کدام از این‌ها تکه‌ای از تاریخ هزاران ساله ایران است. اما هیچ‌کدام در وضعیت مطلوب نگهداری نمی‌شوند. گردشگری که از اصفهان آمده، با تعجب به دیوار ترک‌خورده نقش‌برجسته مهرداد اشکانی نگاه می‌کند و می‌پرسد: «چرا مرمت نمی‌کنند؟» راهنما سری تکان می‌دهد و می‌گوید: «بودجه نیست، نیرو نیست، فقط وعده هست.» بیستون سال ۱۳۸۵ وارد فهرست میراث جهانی یونسکو شد. این ثبت می‌توانست فرصت بزرگی باشد برای جذب همکاری‌های بین‌المللی، استفاده از فناوری‌های نوین و اجرای پروژه‌های مرمت علمی. اما آنچه در عمل رخ داد، چیز دیگری بود: بروکراسی اداری، وعده‌های توخالی و پروژه‌های مقطعی.

وزارت میراث فرهنگی که باید متولی حفاظت باشد، بیشتر به دستگاهی تشریفاتی تبلیغاتی تبدیل شده است. نشست‌های خبری، جشنواره‌ها و بازدیدهای نمایشی جایگزین اقدام عملی شده‌اند. هر بار خبرنگاران درباره وضعیت بیستون می‌پرسند، مسئولان با واژه‌های زیبا اما پوچ پاسخ می‌دهند: «بیستون برای ما اولویت است.» ولی در میدان واقعیت، بیستون هر روز بیشتر فرسوده می‌شود. کارشناسان مستقل بارها هشدار داده‌اند که بیستون نیازمند سامانه پایش دائمی است. گفته‌اند باید تیم‌های تخصصی مرمت به‌طور مداوم فعال باشند. پیشنهاد داده‌اند از فناوری‌های مدرن تصویربرداری و لیزر برای ثبت و حفاظت استفاده شود. حتی پیشنهاد همکاری بین‌المللی داده‌اند. اما وزارتخانه یا نشنیده، یا نخواسته بشنود. پوریا محمدی، پژوهشگر جوان این حوزه در گفت‌وگو با هفت‌صبح گفت: «بیستون مثل بیماری است که پزشک متخصص می‌خواهد، اما به جای درمانگر، نمایشگر سر می‌رسد. مسئولان بیشتر به فکر عکس گرفتن‌اند تا درمان.» در حاشیه دشت، پیرمردی روی نیمکتی فرسوده نشسته، رو به کوه. او می‌گوید: «این جا هویت ماست. بچگی‌ام در سایه همین کوه گذشته. حالا می‌بینم که آرام‌آرام دارد از بین می‌رود و کسی کاری نمی‌کند.» صدای او تلخ است، اما نمایانگر احساس عمومی مردمی است که می‌دانند چیزی بیش از سنگ و تاریخ از دست می‌رود: بخشی از هویت‌شان.

چه باید کرد؟

بیستون هنوز قابل نجات است، اما نه با وعده‌های تکراری. نه با پروژه‌های نصفه‌نیمه. نجات بیستون نیازمند چند اقدام فوری است: تخصیص بودجه کافی و پایدار برای حفاظت، نه بودجه‌های قطره‌چکانی، ایجاد سامانه پایش دائمی با استفاده از فناوری‌های روز، حضور مستمر تیم‌های مرمت متخصص، نه پروژه‌های مقطعی، دعوت از کارشناسان بین‌المللی و همکاری واقعی با یونسکو، مدیریت یکپارچه حریم اثر تا صنایع آلاینده و ساخت‌وسازها به آن آسیب نزنند. فردا دیر است. اگر این اقدامات امروز آغاز نشود، فردا خیلی دیر خواهد بود. فردا وقتی گردشگری خارجی به این دشت بیاید، شاید چیزی جز سنگ‌های ترک‌خورده و خطوط محوشده باقی نماند. آن‌وقت نه فقط ایران، که جهان شاهد خواهد بود چگونه یکی از مهم‌ترین سندهای تاریخ بشر به دلیل بی‌کفایتی مسئولان نابود شد.

بیستون فریاد می‌زند، اما گوش مسئولان وزارت میراث فرهنگی سنگین‌تر از سنگ‌های همین کوه شده است. تاریخ اما فراموش نخواهد کرد چه کسانی متولی این میراث بودند و چگونه با بی‌توجهی آن را به آستانه نابودی رساندند.

گزارش

روزهای بحران در آینه خریدهای آنلاین

بقا، سرمایه، سرگرمی؛ چرخه‌ای در سایه جنگ

یکی از سایت‌های بزرگ خرید اینترنتی گزارشی منتشر کرده که بیش از آنکه صرفا به فهرست کالاهای پرفروش بپردازد، همچون آینه‌ای کوچک از روان جمعی جامعه عمل می‌کند. این گزارش بر اساس داده‌های واقعی میلیون‌ها کاربر و هزاران فروشنده تهیه شده و نشان می‌دهد در چه لحظه‌هایی مردم به چه چیزهایی بیشتر نیاز داشته‌اند، چه ترس‌هایی بر رفتارشان سایه انداخته و چگونه به محض فروکش کردن بحران، مسیر دیگری در پیش گرفته‌اند.

خریدهای مضطربانه

به زبان ساده، آمار خرید آنلاین در روزهای جنگ از شارژر خورشیدی گرفته تا کنسرو و نان خشک و از نوار تست قند خون تا کیف پول سخت‌افزاری، نه تنها کالاهایی روی قفسه‌های مجازی فروشگاه‌ها هستند، بلکه نشانه‌هایی‌اند از اضطراب، احتیاط و حتی امیدواری مردم. وقتی تقاضا برای شارژر خورشیدی بیش از ۱۲۴۵ درصد رشد می‌کند، در واقع شاهد تلاش جمعی برای یافتن راهی جهت تأمین برق در روزهای قطع احتمالی هستیم. وقتی کنسرو و نان خشک رشد ۹۶۹ و ۸۵۵ درصدی دارند، این فقط آمار فروش مواد غذایی نیست؛ بلکه بازتاب هراس از بی‌ثباتی تأمین معیشت روزانه است و زمانی که خرید کیف پول سخت‌افزاری بیش از دو برابر می‌شود، می‌توان دریافت که جنگ حتی امنیت سرمایه‌های دیجیتال را به لرزه می‌اندازد.

پس از بحران

اما همان‌طور که این داده‌ها به روشنی می‌گویند، بحران ماندگار نیست. به محض پایان جنگ، عروسکی با رشد ۳۲۰۰ درصدی به صدر جست‌وجوها می‌رسد و کنسول‌های بازی جهشی خیره‌کننده می‌یابند؛ گویی جامعه با شتابی حیرت‌آور در پی التیام روانی و بازگشت به زندگی عادی است. شاید نتوان این داده‌ها را به کل جامعه تعمیم داد، چراکه خرید آنلاین هنوز سهمی کمتر از ده درصد در بازار ایران دارد، اما همین قاب کوچک هم نشان می‌دهد که جامعه در لحظات بحران چگونه اولویت‌هایش را جابه‌جا می‌کند و چه زود دوباره به ریتم عادی زندگی بازمی‌گردد.

کوله بقا؛ اولویت امنیت بر آسایش

وقتی شارژر خورشیدی صدرنشین جست‌وجوها می‌شود، معنای آن فراتر از یک ابزار الکترونیکی است. در جامعه‌شناسی بحران، انسان‌ها در مواجهه با تهدید فوری به کاهش گرایی برای بقا روی می‌آورند؛ یعنی همه نیازهای پیچیده‌تر کنار گذاشته می‌شود تا ابتدایی‌ترین امکانات حیات تأمین شود.

رشد نزدیک به هزار درصدی خرید کنسرو و نان خشک، یادآور همان منطق است زیرا غذاهای فاسدنشدنی که می‌توانند «کوله شرایط اضطراری» هر خانواده باشند مورد توجه خانواده‌ها بوده است، درست همانند جوامعی که در معرض زلزله یا توفان قرار می‌گیرند و ذخیره آب و غذا به بخشی از فرهنگ روزمره‌شان بدل می‌شود.

هراس دارویی؛ ترس از بسته شدن داروخانه‌ها

آمار فروش نوار تست قند خون با جهش ۲۹۶ درصدی در روزهای جنگی، از اضطراب گروه‌های آسیب‌پذیر خبر می‌دهد. افراد دیابتی یا خانواده‌های دارای بیمار مزمن، با کوچک‌ترین تهدید به انسداد دسترسی، به سمت ذخیره‌سازی روی می‌آورند. افزایش بازدید از زیرانداز بهداشتی (۸۴ درصد) و ضدعفونی کننده (۷۸ درصد) نیز بازتاب همان ترس است چون در شرایطی که جنگ نظم شهری را مختل می‌کند، هر وسیله بهداشتی می‌تواند ضامن آرامش روانی باشد.

دارایی در پناه کیف پول سخت‌افزاری

جنگ فقط نان و دارو را تهدید نمی‌کند، بلکه سایه‌اش بر سرمایه و دارایی‌ها هم می‌افتد. رشد ۲۱۸ درصدی فروش کیف پول سخت‌افزاری را باید در همین چارچوب دید. مردمی که به ناگهان نگران هک شدن صرافی‌های دیجیتال یا بلوکه شدن دارایی‌های مجازی خود می‌شوند، به ابزار فیزیکی برای حفاظت از سرمایه پناه می‌برند. این داده نشان می‌دهد که در بحران، مفهوم «امنیت» از بدن و سفره فراتر می‌رود و به حساب بانکی و رمز ارزها هم کشیده می‌شود.

پایان جنگ، بازگشت به زندگی

اما چیزی که شاید بیش از همه جلب توجه کند، تغییر ناگهانی رفتار پس از پایان جنگ است. به محض فروکش کردن خطر، جست‌وجوی عروسک لبوبو ۳۲۰۰ درصد رشد می‌کند. این جهش، نماد غریزی میل جامعه به «ترمیم روانی» است. وقتی تهدید بیرونی عقب می‌نشیند، مردم به سرعت به ترندهای جهانی، سرگرمی و نمادهای سبک زندگی می‌چسبند تا حس عادی بودن را بازسازی کنند. کنسول‌های بازی با ۸۵۲ درصد رشد، دسته‌های بازی با ۱۰۲ درصد و بازی‌های خانگی با ۹۳ درصد، همه در همان راستا هستند و از تلاش برای پر کردن شکاف روانی و جبران روزهای اضطراب خبر می‌دهند. این رفتار نشان می‌دهد پس از شوک‌های بزرگ، موجی از مصرف جبرانی به راه می‌افتد؛ خریدهایی که قرار است به جامعه بقبولاند همه‌چیز به روال عادی بازگشته است.

روال عادی، اما ناپایدار

بازگشت به لپ‌تاپ‌ها (۳۰ درصد رشد) و ساعت‌های هوشمند (۲۲ درصد) نشانه‌ای از پیگیری دوباره روندهای زندگی روزمره است. در عین حال، همان‌طور که میزان رشد خرید کیف پول سخت‌افزاری به محض کاهش تهدید سقوط کرد، می‌توان دید که رفتار بحران‌زده موقتی است. این چرخه رفت و برگشت نشان می‌دهد که جامعه، حتی در اوج ترس، میل به عادی‌سازی را از دست نمی‌دهد.

محدودیت داده‌ها، اما ارزش نشانه‌ها

باید تأکید کرد که این آمارها فقط به خرید آنلاین مربوط‌اند و نماینده کل جامعه نیستند. سهم کمتر از ده درصدی خرید اینترنتی در ایران، تصویر کلی جامعه را به دست نمی‌دهد. بسیاری از خانوارها، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار یا سنتی، در این داده‌ها حضور ندارند. با این حال، همین نمونه کوچک ارزشمند است، چون می‌تواند به عنوان «دماسنج روانی» قشر آنلاین جامعه عمل کند. درست مانند دماسنجی که دمای کل بدن را با اندازه‌گیری یک نقطه نشان می‌دهد، این داده‌ها هم جهت کلی احساس جمعی را عیان می‌کنند.

درس‌هایی برای جامعه و سیاست

این الگو یک هشدار روشن دارد. در بحران‌ها، دسترسی پایدار به غذا، دارو و امنیت سرمایه می‌تواند از هراس عمومی بکاهد. اگر حکومت‌ها و نهادهای مدنی بتوانند ذخایر مطمئن غذایی و دارویی را تضمین کنند، از بروز موج‌های اضطراب و احتکار جلوگیری خواهد شد. از سوی دیگر، بعد از بحران، باید فضای روانی جامعه برای بازگشت سالم به زندگی روزمره مدیریت شود وگرنه مصرف‌گرایی جبرانی می‌تواند به بی‌ثباتی اقتصادی دامن بزند. داده‌های جست‌وجوی شارژر خورشیدی یا عروسک لبوبو را تصور کنید. یکی در اوج تهدید، دیگری در آرامش پس از آن اتفاق افتاده است. این دو تصویر، دو چهره از یک جامعه‌اند. جامعه‌ای که میان بقا و بازسازی روانی در نوسان است. داده‌ها هرچند محدود، اما یادآور می‌شوند که جنگ نه فقط در میدان، که در روان جمعی و رفتار روزمره مردم نیز ادامه دارد. بحران جنگ، آینه‌ای است که اضطراب‌ها، اولویت‌ها و امیدهای جامعه را آشکار می‌کند. داده‌های خرید آنلاین نشان می‌دهند که مردم نخست به بقای جسمی و مالی می‌اندیشند و سپس با سرعتی خیره‌کننده به سرگرمی و بازسازی روانی بازمی‌گردند. اما این چرخه شکننده است. جامعه‌ای که برای مدیریت بحران‌های بعدی آماده باشد، باید از این نشانه‌ها درس بگیرد. امنیت غذایی، سلامت پایدار و مدیریت روان جمعی مهمترین عوامل در بروز هر بحران است.

از زارا و نایکی و منگو تا کارگاه‌های بنگلادش و پاکستان

پوشاک خارجی فریب با برچسب تقلبی

بازار پوشاک ایران در غیاب برندهای رسمی، جولانگاه کالاهای بی‌هویت و قاچاق چند میلیارد دلاری شده است

مونا موسوی
هفت صبح

در ویترین‌های پرزرق‌وبرق فروشگاه‌های پوشاک ایران، برندهای خارجی همچنان خودنمایی می‌کنند؛ از زارا و نایکی گرفته تا آدیداس و منگو. این نام‌ها در ذهن مصرف‌کننده ایرانی با کیفیت، کلاس جهانی و سبک زندگی مدرن گره خورده‌اند. اما پشت این برچسب‌های درخشان، واقعیتی نه‌چندان شفاف پنهان است. آیا آنچه به نام برند فروخته می‌شود، واقعا اصالت دارد؟ یا با برچسبی جعلی، از کارگاه‌های بی‌نام در بنگلادش و پاکستان سر درآورده و با قیمتی گزاف به مصرف‌کننده ایرانی تحمیل شده است؟

نشان‌های بی‌اصل‌ونسب

بررسی‌های میدانی و گفت‌وگو با فعالان صنف پوشاک نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از این محصولات نه وارداتی رسمی‌اند، نه تولید کشورهای صاحب‌نام در صنعت مد. بلکه در بسیاری موارد، پوشاکی هستند که در کارگاه‌های داخلی یا کشورهای درجه دوم صنعت پوشاک تولید شده‌اند و صرفا با برچسب برند، به عنوان کالای اورجینال عرضه می‌شوند. این پدیده، نه‌تنها مصرف‌کننده را فریب می‌دهد، بلکه نشان‌دهنده خلأهای جدی در نظام نظارت بر بازار پوشاک کشور است.

یکی از رایج‌ترین شیوه‌های عرضه برندهای جعلی، سفارش تولید لباس با برندهای خارجی توسط فروشگاه‌های داخلی است. در این فرآیند، فروشگاه‌ها یا تولیدکنندگان داخلی، لباس‌هایی را با طراحی مشابه برندهای معروف تولید می‌کنند و سپس با برچسب‌های جعلی یا مشابه، آن‌ها را به عنوان کالای خارجی عرضه می‌کنند. این محصولات نه‌تنها فاقد اصالت برند هستند، بلکه در بسیاری موارد کیفیتی پایین‌تر از استانداردهای جهانی دارند. با این حال، به دلیل نبود نظارت کافی و آگاهی محدود مصرف‌کنندگان، با قیمت‌های بالا به فروش می‌رسند.

کارگاه‌های هند و پاکستان

بخش دیگری از پوشاک برند موجود در بازار ایران، از کشورهایی مانند بنگلادش، پاکستان یا هند وارد می‌شود؛ کشورهایی که به دلیل نیروی کار ارزان، به قطب تولید پوشاک ارزان‌قیمت برای برندهای جهانی تبدیل شده‌اند. اما تفاوت مهمی وجود دارد: بسیاری از این کالاها، نسخه‌های درجه دوم یا حتی تقلبی هستند که صرفا از نام برند بهره می‌برند، بدون آن‌که از نظر کیفیت یا اصالت با نسخه‌های اصلی برابری کنند. در غیاب نظام شفاف‌سازی منشأ کالا، این پوشاک به‌راحتی در بازار ایران به عنوان «اورجینال» فروخته می‌شود.

نبود سازوکارهای نظارتی دقیق برای احراز اصالت برند، یکی از مهم‌ترین چالش‌های بازار پوشاک ایران است. نه تنها مصرف‌کننده ابزار تشخیص ندارد، بلکه نهادهای نظارتی نیز در بسیاری موارد از بررسی منشأ کالا و اصالت برند ناتوان‌اند. این خلأ، زمینه را برای سودجویی گسترده فراهم کرده است؛ جایی که فروشنده با برچسب برند، کالایی بی‌هویت را با چند برابر قیمت واقعی عرضه می‌کند.

مصرف‌کننده قربانی فریب

در چنین شرایطی، پرسش‌های مهمی مطرح می‌شود: چرا هیچ سامانه‌ای برای احراز اصالت برند در بازار پوشاک ایران وجود ندارد؟ نقش اتحادیه‌ها و نهادهای صنفی در مقابله با عرضه برندهای جعلی چیست؟ آیا مصرف‌کننده ایرانی قربانی یک نظام بازاریابی فریبنده شده است؟ و مهم‌تر از همه: چه کسانی از این آشفتگی سود می‌برند؟ بازار پوشاک ایران، امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند شفافیت، نظارت موثر و آگاهی‌بخشی به مصرف‌کنندگان است. در غیر این صورت، برندهای بی‌هویت همچنان در ویترین‌ها می‌درخشند و مصرف‌کننده، بی‌آن‌که بداند، بهای فریب را می‌پردازد.

ممنوعیت و گسترش قاچاق

در سال ۱۳۹۷، دولت ایران با هدف حمایت از تولید داخلی و جلوگیری از خروج ارز، واردات رسمی پوشاک خارجی را ممنوع اعلام کرد. این تصمیم در ظاهر اقدامی ملی‌گرایانه برای تقویت صنعت نساجی کشور بود، اما در عمل، نه‌تنها به رشد تولید داخلی کمک نکرد، بلکه دروازه‌ای تازه برای گسترش قاچاق، عرضه برندهای جعلی و فریب مصرف‌کننده گشود. امروز، برندهای خارجی همچنان در ویترین فروشگاه‌های ایران دیده می‌شوند؛ اما نه از مسیر قانونی، بلکه از راه‌های غیررسمی، بی‌تعرفه، بی‌مالیات و بی‌نظارت.

در واقع، ممنوعیت واردات رسمی، بازار را به بستری برای سودجویانی تبدیل کرده که با واردات قاچاق یا تولید داخلی با برچسب‌های جعلی، کالاهایی بی‌هویت را با قیمت‌های گزاف به مردم عرضه می‌کنند. این روند، نه‌تنها تولیدکننده داخلی را در رقابت نابرابر قرار داده، بلکه مصرف‌کننده را نیز در معرض فریب قرار داده است؛ چرا که در غیاب نظارت موثر، تشخیص کالای اصل از تقلبی تقریبا ناممکن شده است.

گردش مالی ۱۲ میلیارد دلاری

براساس برآوردهای رسمی و صنفی، گردش مالی بازار پوشاک ایران سالانه بین ۸ تا ۱۲ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. این رقم نشان‌دهنده حجم عظیم تقاضا و ظرفیت اقتصادی این بازار است؛ ظرفیتی که می‌توانست به موتور محرک تولید ملی بدل شود، اما اکنون بخش قابل توجهی از آن در اختیار کالاهای قاچاق و برندهای جعلی قرار دارد. طبق گزارش‌های رسمی، سهم قاچاق پوشاک در ایران حدود ۳ میلیارد دلار است؛ یعنی تقریبا ۲۵ درصد از کل بازار یا به صورت کامل یا پارچه آن خارجی است. برخی منابع صنفی حتی معتقدند این رقم بیشتر از برآوردهای رسمی است و به دلیل نبود شفافیت در آمار، قاچاق واقعی ممکن است فراتر از این باشد.

> **در غیاب واردات رسمی و نظارت موثر، بازار پوشاک ایران طی نیم‌دهه اخیر به بستری برای رشد برندهای جعلی، قاچاق سازمان‌یافته و فریب مصرف‌کننده بدل شده است به طوری که از ۳ میلیارد دلار گردش مالی پوشاک به قاچاق اختصاص دارد**

پوشاک خارجی، قاچاق یا تقلب

از سوی دیگر، واردات رسمی پوشاک عملا متوقف شده و آخرین شرکت‌های خارجی فعال در بازار ایران نیز از سال ۱۳۹۹ فعالیت خود را پایان داده‌اند. بنابراین، هر کالای خارجی که امروز در بازار دیده می‌شود، یا از طریق قاچاق وارد شده یا در داخل کشور با برچسب جعلی تولید شده است. این وضعیت، پیامدهای متعددی به همراه داشته است؛ تولیدکنندگان داخلی باید با کالاهایی رقابت کنند که هیچ‌یک از هزینه‌های قانونی را پرداخت نکرده‌اند؛ مصرف‌کننده ایرانی، کالای بی‌کیفیت را با قیمت برند خریداری می‌کند؛ و اشتغال در صنعت پوشاک داخلی با تهدید جدی مواجه شده است.

در چنین شرایطی، پرسش‌های مهمی مطرح می‌شود: آیا ممنوعیت واردات، به‌جای حمایت از تولید، به تقویت بازار قاچاق منجر نشده است؟ چرا هیچ سازوکار موثری برای احراز اصالت برند در بازار پوشاک ایران وجود ندارد؟ و مهم‌تر از همه، چه کسانی از این آشفتگی سود می‌برند؟

بازار پوشاک ایران، امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند شفافیت، نظارت موثر و آگاهی‌بخشی به مصرف‌کنندگان است. در غیر این صورت، برندهای بی‌هویت همچنان در ویترین‌ها می‌درخشند و مصرف‌کننده، بی‌آن‌که بداند، بهای فریب را می‌پردازد.

استوک‌ها وارد می‌شوند

در سال ۱۴۰۴، بازار پوشاک ایران همچنان با تبعات ممنوعیت واردات رسمی و فشارهای تورمی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. در حالی که برندهای خارجی به‌صورت قاچاق یا تحت عنوان «استوک» در ویترین فروشگاه‌ها دیده می‌شدند، قیمت این کالاها به سطحی رسید که برای بخش بزرگی از جامعه، عملا غیرقابل دسترس شد. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که قیمت یک کاپشن استوک خارجی در فروشگاه‌های تهران بین یک تا یک‌ونیم میلیون تومان نوسان داشت، در حالی که نسخه‌های مشابه با کیفیت پایین‌تر در بازارهای مرزی مانند زاهدان با قیمت حدود ۵ دلار خریداری می‌شدند و با سودی تا ۷۰ درصد در بازار مرکزی عرضه می‌شدند. افزایش نرخ ارز، هزینه‌های حمل‌ونقل و محدودیت‌های گمرکی باعث شد که پوشاک خارجی (چه اصل و چه تقلبی) در سال ۱۴۰۴ به کالایی لوکس تبدیل شود. برای مثال، یک شومیز زنانه خارجی که پیش‌تر با قیمت ۷۰۰ هزار تومان قابل تهیه بود، در سال ۱۴۰۴ به بیش از ۲ میلیون تومان رسید. این جهش قیمتی، به‌ویژه در شرایطی که تورم عمومی کشور از مرز ۴۵ درصد عبور کرده بود، منجر به تغییر رفتار مصرف‌کنندگان شد.

> **قیمت یک کاپشن استوک خارجی در فروشگاه‌های تهران بین یک تا یک‌ونیم میلیون تومان است، در حالی‌که نسخه‌های مشابه در بازارهای مرزی مانند زاهدان با قیمت حدود ۵ دلار خریداری می‌شود**

کاهش سرانه پوشاک

براساس داده‌های منتشرشده، سرانه مصرف پوشاک در ایران طی سال‌های اخیر روندی نزولی داشته است. در سال ۱۳۹۸، این رقم حدود ۳۵ دلار بود، اما در سال ۱۴۰۴ به کمتر از ۲۵ دلار کاهش یافت. این افت مصرف، نه‌تنها ناشی از کاهش قدرت خرید، بلکه حاصل تغییر ذائقه مصرف‌کنندگان در مواجهه با قیمت‌های غیرمنطقی پوشاک خارجی بود. در همین دوره، خرید محصولات داخلی تا ۳۲ درصد افزایش یافت، به‌ویژه در بخش پوشاک زنانه که برندهای ایرانی توانستند با طراحی‌های به‌روز و قیمت‌های رقابتی، جایگزین مناسبی برای برندهای خارجی باشند.

دست‌دوم‌فروش‌ها، از زاهدان تا کرمانشاه

در کنار این تحولات، بازار پوشاک استوک نیز رونق گرفت. فروشگاه‌های لباس دست دوم در تهران، کرمانشاه و زاهدان با سرمایه‌گذاری‌های نسبتا پایین حدود ۱۵۰ تا ۲۵۰ میلیون تومان برای هر محموله قاچاق توانستند سهم قابل توجهی از بازار را به خود اختصاص دهند. این کالاها، اگرچه از نظر کیفیت و بهداشت محل تردید بودند، اما برای طبقات پایین جامعه که توان خرید پوشاک نو را نداشتند، به گزینه‌ای قابل‌دسترس تبدیل شدند. در مجموع، سال ۱۴۰۴ را می‌توان نقطه عطفی در تغییر الگوی مصرف پوشاک در ایران دانست؛ جایی که فشار تورم، ممنوعیت واردات و رشد قاچاق، بازار را به سمت داخلی‌سازی و مصرف پوشاک ارزان‌تر سوق داد. با این حال، نبود نظارت کافی بر اصالت کالا، همچنان یکی از چالش‌های جدی باقی مانده است؛ چالشی که نه‌تنها اعتماد مصرف‌کننده را تهدید می‌کند، بلکه فرصت‌های واقعی برای رشد صنعت پوشاک داخلی را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

گزارش

پیش‌بینی هفت صبح از واکنش قیمت طلا و دلار به نتایج احتمالی دور جدید مذاکرات هسته‌ای

حرکت روی لبه تیز توافق

قیمت ارز و طلا با نشانه‌های مثبت سیاسی فروکش کرد اما پایداری کاهش‌ها به اصلاحات ساختاری اقتصاد وابسته است

گروه اقتصادی | با افزایش گمانه‌زنی‌ها درباره آغاز دور جدید مذاکرات هسته‌ای و همزمان با رایزنی‌های فنی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، فضای روانی بازارهای مالی ایران دستخوش تغییر شده است. تجربه‌های پیشین نشان می‌دهد که حتی انتشار خبرهای مثبت درباره احتمال توافق، می‌تواند انتظارات تورمی را کاهش داده و به افت نسبی قیمت ارز و طلا منجر شود.

اصلاح قیمت دلار و طلا؟

در صورت تحقق توافق و کاهش تحریم‌ها، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که قیمت دلار در بازار آزاد می‌تواند تا محدوده ۸۵ تا ۹۰ هزار تومان اصلاح شود. این کاهش، البته مقطعی خواهد بود و به عوامل داخلی مانند سیاست‌های بودجه‌ای دولت، کسری تراز تجاری و نرخ تورم نیز وابسته است. در کوتاه‌مدت، تقاضای سفته‌بازی برای دلار کاهش می‌یابد و بازار به سمت آرامش نسبی حرکت می‌کند، هرچند پایداری این روند نیازمند اصلاحات ساختاری در اقتصاد کشور است.

در صورت آغاز رسمی مذاکرات، نرخ دلار که در ماه‌های اخیر در محدوده ۹۵ تا ۱۰۵ هزار تومان نوسان داشته، می‌تواند حتی تا محدوده ۸۰ تا ۸۵ هزار تومان کاهش یابد. این اصلاح، اگرچه چشمگیر است، اما به شرطی پایدار خواهد بود که مذاکرات به نتایج ملموس منجر شود. در غیر این صورت، بازار به سرعت به سطوح قبلی بازمی‌گردد. کارشناسان معتقدند که اگر نرخ دلار بیش از سه ماه در کانال‌های بالا باقی بماند، بازگشت به سطوح پایین‌تر بسیار دشوار خواهد بود و اصلاحات صرفا جنبه روانی و کوتاه‌مدت خواهند داشت.

قیمت طلا نیز به‌شدت تحت تأثیر نرخ ارز و جو روانی بازار قرار دارد. در صورت توافق، قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار ممکن است تا محدوده ۶.۸ تا ۷.۲ میلیون تومان کاهش یابد. همچنین، قیمت سکه امامی می‌تواند تا سطح ۷۷ میلیون تومان افت کند. این اصلاح قیمتی، علاوه بر تأثیر مذاکرات، به وضعیت بازار جهانی طلا نیز وابسته است؛ چرا که کاهش تنش‌های ژئوپلیتیک می‌تواند قیمت جهانی طلا را نیز تحت فشار قرار دهد و به افت بیشتر قیمت داخلی منجر شود.

اصلاح طلا و ارز جنبه روانی و کوتاه‌مدت دارد

با این حال، نباید فراموش کرد که مشکلات ساختاری اقتصاد ایران از جمله تورم بالا، کسری بودجه و ضعف تولید، مانع از ریزش شدید و پایدار قیمت‌ها خواهد شد. بنابراین، هرگونه افت قیمت دلار و طلا در صورت توافق، بیشتر جنبه روانی و کوتاه‌مدت دارد تا اصلاحی بنیادین. بازارهای مالی ایران، در چنین شرایطی، بیش از هر زمان دیگری نیازمند ثبات سیاستی، شفافیت در تصمیم‌گیری و اعتمادسازی عمومی هستند تا بتوانند از فضای مذاکراتی فراتر رفته و به سمت پایداری واقعی حرکت کنند.

قیمت طلا تحت تاثیر چیست؟

قیمت طلا تحت تاثیر نرخ ارز و قیمت جهانی اونس قرار دارد. در صورت آغاز مذاکرات و کاهش نرخ دلار، قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار ممکن است تا محدوده ۶.۳ تا ۶.۵ میلیون تومان اصلاح شود و در صورت توافق نهایی، حتی به سطح ۵.۵ میلیون تومان نیز برسد. قیمت سکه امامی نیز ممکن است تا محدوده ۶۶ تا ۷۰ میلیون تومان کاهش یابد، به‌ویژه اگر همزمان با افت دلار، اونس جهانی نیز وارد فاز نزولی شود. با این حال، بازار طلا به دلیل وابستگی دوگانه به عوامل داخلی و خارجی، معمولا نوسانات شدیدتری را تجربه می‌کند.

در شرایط مذاکراتی، بازار طلا ریسک بیشتری نسبت به بازار ارز دارد. دلیل آن، وابستگی طلا به نرخ ارز داخلی و همزمان به قیمت جهانی اونس است. اگرچه دلار بیشتر تحت تأثیر فضای سیاسی و انتظارات داخلی قرار دارد، اما طلا علاوه بر این عوامل، به نوسانات بازارهای جهانی نیز واکنش نشان می‌دهد. بنابراین، در صورت بروز اخبار متناقض یا شکست مذاکرات، طلا ممکن است نوسانات شدیدتری را تجربه کند و سرمایه‌گذاران این بازار با ریسک بالاتری مواجه شوند.

ریسک‌ها در کوتاه‌مدت کنترل‌پذیرترند

از سوی دیگر، بازار ارز به دلیل نقش آن در مبادلات روزمره و حساسیت بالای دولت نسبت به نرخ آن، معمولا با مداخلات سریع‌تری مواجه می‌شود و همین امر می‌تواند ریسک آن را در کوتاه‌مدت کنترل‌پذیرتر کند. با این حال، هرگونه اصلاح قیمتی در بازار ارز نیز نیازمند پشتوانه سیاستی و اقتصادی است؛ چرا که بدون اصلاحات ساختاری، کاهش نرخ ارز پایدار نخواهد بود. در مجموع، آغاز مذاکرات می‌تواند به اصلاح قابل‌توجهی در بازارهای مالی منجر شود، اما پایداری این اصلاحات به نتیجه مذاکرات، سیاست‌های اقتصادی داخلی و واکنش بازارهای جهانی بستگی دارد. سرمایه‌گذاران در این فضا باید بیش از هر زمان دیگری به تحلیل چندجانبه، مدیریت ریسک و پرهیز از تصمیم‌گیری‌های هیجانی توجه کنند. بازارهای ایران، در آستانه یک چرخش احتمالی، نیازمند ثبات سیاستی، شفافیت در تصمیم‌گیری و اعتمادسازی عمومی هستند تا بتوانند از فضای مذاکراتی فراتر رفته و به سمت پایداری واقعی حرکت کنند.

بازار طلا زیر سایه بانک‌های مرکزی

همچنین باید توجه داشت که بانک‌های مرکزی همواره در موقعیتی هستند که می‌توانند با ابزارهای سیاستی خود، به‌دنبال ثبات یا تغییر در بازار ارز باشند. تصمیم‌گیری در این زمینه به اهداف کلان اقتصادی، شرایط تورمی، تراز تجاری و فضای سیاسی داخلی و بین‌المللی بستگی دارد. در شرایطی که نوسانات ارزی به تهدیدی برای ثبات اقتصادی تبدیل شود، بانک مرکزی معمولا مداخله می‌کند تا از طریق تزریق ارز، تغییر نرخ بهره، یا مدیریت انتظارات، بازار را به سمت آرامش هدایت کند. در مقابل، در برخی موارد خاص، تغییرات کنترل‌شده در نرخ ارز می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تنظیم صادرات، کاهش واردات یا جبران کسری بودجه مورد استفاده قرار گیرد.

در فضای فعلی اقتصاد ایران، با افزایش احتمال آغاز مذاکرات میان ایران و آمریکا، بانک مرکزی در موقعیتی حساس قرار دارد. از یک‌سو، کاهش تنش‌های سیاسی می‌تواند به افت نرخ ارز منجر شود و از سوی دیگر، این افت اگر مدیریت نشود، ممکن است به شوک‌های قیمتی در بازارهای دیگر بینجامد. بنابراین، بانک مرکزی ممکن است به‌جای اجازه دادن به ریزش ناگهانی نرخ ارز، به‌دنبال تثبیت تدریجی آن باشد تا از نوسانات شدید جلوگیری کند.

در سال‌های گذشته، تجربه نشان داده که بانک مرکزی ایران در مواجهه با اخبار مذاکراتی، معمولا از ابزارهایی مانند عرضه ارز در بازار متشکل، کنترل نرخ حواله‌ای و مدیریت روانی بازار استفاده کرده است. هدف از این اقدامات، جلوگیری از شکل‌گیری حباب‌های انتظاری و حفظ تعادل در بازار ارز بوده است. با این حال، موفقیت این سیاست‌ها به میزان ذخایر ارزی، هماهنگی با سیاست‌های مالی دولت و اعتماد عمومی به نهاد پولی کشور بستگی دارد.

در صورت آغاز رسمی مذاکرات و کاهش فشارهای تحریمی، بانک مرکزی ممکن است با کاهش تدریجی نرخ ارز، به‌دنبال تقویت ریال و کنترل تورم باشد. اما اگر مذاکرات به نتیجه نرسد یا با شکست مواجه شود، احتمالا سیاست‌های حمایتی از نرخ ارز تقویت خواهد شد تا از جهش‌های ناگهانی جلوگیری شود.

در مجموع، بانک‌های مرکزی نه‌تنها می‌توانند به‌دنبال ثبات بازار ارز باشند، بلکه در مواقع خاص، تغییرات هدفمند در نرخ ارز را نیز دنبال می‌کنند. آنچه تعیین‌کننده است، هدف‌گذاری دقیق، شفافیت در سیاست‌گذاری، و توانایی در اجرای هماهنگ ابزارهای پولی و ارزی است. در شرایط فعلی، نقش بانک مرکزی در مدیریت انتظارات و جلوگیری از نوسانات هیجانی بیش از هر زمان دیگری حیاتی است.

آغاز مرحله تازه جنگ فرسایشی اوکراین و تبعات گسترده برای اروپا

صدای طبل جنگ از بالتیک تا دریای سیاه

حسین فاطمی
هفت صبح

ناکامی دونالد ترامپ در پیشبرد وعده‌هایش برای پایان دادن به جنگ اوکراین، اکنون به نقطه عطفی خطرناک در بحران امنیتی اروپا بدل شده است. اگرچه در ماه‌های نخست روی کار آمدن دولت ترامپ، برخی رهبران اروپایی تصور می‌کردند حضور او می‌تواند واشنگتن و مسکو را به مصالحه‌ای زودهنگام وادار کند اما مواضع دوپهلو و گاه متناقض کاخ سفید در برابر حملات روسیه، از جمله پرواز پهپادها برفراز لهستان، موجب شد تا نه‌تنها بحران اوکراین به پایان نرسد، بلکه به سمت مرحله‌ای جدید از جنگ فرسایشی حرکت کند. ناکامی ترامپ بعد از نشست آلاسکا با پوتین و نشست واشنگتن با سران اروپا عملا به امیدهای کاخ سفید پایان داد. اکنون ناتو با راه‌اندازی عملیات «نگهبان شرقی» و استقرار نیروهای تازه‌نفس در جناح شرقی خود، به‌ویژه در لهستان و فنلاند، آماده می‌شود تا با سناریوی گسترش بحران به مرزهای جدید روبه‌رو شود. از سوی دیگر، روسیه با هوشمندی تمام، ضمن تشدید فعالیت‌های نظامی در نزدیکی مرزهای ناتو، به دنبال آزمودن میزان انسجام و آمادگی این ائتلاف است. حضور نظامی گسترده در فنلاند، تقویت ساختارهای دفاعی لهستان و هشدارهای متقابل مسکو، تصویری از اروپا را ترسیم می‌کند که در حال لغزیدن به سمت تقابلی تمام‌عیار و طولانی‌مدت است. در چنین شرایطی، تحلیلگران بر این باورند که نه آمریکا و نه ناتو راهبرد مشخصی برای خروج از بحران ندارند و هر دو طرف به سمت گسترش دامنه جنگ، بدون افق روشن برای صلح، حرکت می‌کنند؛ مرحله‌ای که می‌تواند به شکل‌گیری جنگ سردی جدید در قلب اروپا منجر شود.

عملیات «نگهبان شرقی»؛ پاسخی دیرهنگام به تهدیدات روسیه

اعلام عملیات «نگهبان شرقی» از سوی ناتو در نگاه نخست به‌عنوان تلاشی برای بازدارندگی فوری در برابر روسیه تلقی شد اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد این اقدام در واقع پاسخی دیرهنگام به روندی است که از زمان آغاز جنگ اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ کلید خورد. استقرار سامانه‌های پدافندی، نیروهای واکنش سریع و قابلیت‌های ضدپهپادی تنها بخشی از این عملیات است اما پیام سیاسی آن به مراتب مهم‌تر به نظر می‌رسد.

اروپا اکنون با واقعیتی جدید مواجه است؛ اینکه روسیه نه‌تنها قصد عقب‌نشینی ندارد، بلکه با گسترش عملیات‌های نظامی در مرزهای ناتو تلاش می‌کند هزینه‌های امنیتی اروپا را افزایش دهد. پرواز پهپادها برفراز لهستان و هشدارهای مکرر مسکو در خصوص حضور ناتو در فنلاند، نشانه‌هایی است از اینکه بحران اوکراین دیگر محدود به خاک این کشور نخواهد ماند.

تحلیلگران می‌گویند «نگهبان شرقی» بیشتر از آنکه بازدارنده باشد، نوعی واکنش نمایشی به فشار افکار عمومی اروپاست. در شرایطی که روسیه ابتکار عمل را در جبهه‌های مختلف در دست دارد، این عملیات نمی‌تواند تضمین‌کننده امنیت کشورهای شرقی ناتو باشد، بلکه شاید تنها به‌عنوان تلاشی برای نمایش وحدت ائتلاف در برابر کرملین تعبیر شود.

ترامپ، اروپا و معمای حمایت نظامی از ناتو

یکی از مهم‌ترین متغیرهای این بحران، مواضع ایالات متحده و به‌طور مشخص دونالد ترامپ است. او بارها در دوران تبلیغات انتخاباتی و حتی پس از ورود به کاخ سفید تأکید کرده بود که اروپا باید هزینه بیشتری برای دفاع از خود بپردازد و آمریکا دیگر «پلیس جهان» نخواهد بود. در ماجرای اخیر حمله پهپادها به لهستان، واکنش مبهم و کم‌رمق ترامپ نشان داد که کاخ سفید تمایلی به درگیری مستقیم با روسیه ندارد.

اروپایی‌ها این پیام را به‌خوبی دریافت کردند که در صورت گسترش بحران، نباید چندان روی حمایت بی‌قید و شرط واشنگتن حساب باز کنند. همین مسئله موجب شده است تا بحث ایجاد ارتش مستقل اروپایی بار دیگر در بروکسل و پایتخت‌های اروپایی جدی شود. با این حال، واقعیت میدانی چیز دیگری می‌گوید. توان نظامی اروپا بدون پشتیبانی اطلاعاتی، لجستیکی و مالی آمریکا هنوز بسیار محدود است و روسیه با آگاهی کامل از این خلأ، فشار خود را بر کشورهای شرقی ناتو افزایش داده است. به عبارت دیگر، شکاف میان اروپا و آمریکا دقیقا همان نقطه ضعفی است که کرملین روی آن حساب ویژه‌ای باز کرده است.

۷

اکنون ناتو با راه‌اندازی عملیات «نگهبان شرقی» و استقرار نیروهای تازه‌نفس در جناح شرقی خود، به‌ویژه در لهستان و فنلاند، آماده می‌شود تا با سناریوی گسترش بحران به مرزهای جدید روبه‌رو شود. از سوی دیگر، روسیه با هوشمندی تمام، ضمن تشدید فعالیت‌های نظامی در نزدیکی مرزهای ناتو، به دنبال آزمودن میزان انسجام و آمادگی این ائتلاف است

فنلاند، جبهه‌ای تازه در مناقشه شرق و غرب

اظهارات دیمیتری مدودف، معاون رئیس شورای امنیت ملی روسیه درباره آماده شدن فنلاند برای جنگ با روس‌ها، بُعد تازه‌ای به بحران امنیتی اروپا افزوده است. از زمان عضویت فنلاند در ناتو، مسکو این کشور را نه یک بازیگر دفاعی بلکه سکویی بالقوه برای حمله به روسیه می‌داند. استقرار مقر فرماندهی نیروهای زمینی ناتو در نزدیکی مرزهای روسیه، افزایش شمار نظامیان و گسترش زیرساخت‌های نظامی در مناطق مرزی، به‌وضوح از تغییر موازنه امنیتی در شمال اروپا حکایت دارد.

فنلاند که زمانی سیاست بی‌طرفی را دنبال می‌کرد، اکنون به یکی از خط مقدم‌های رویارویی ناتو و روسیه تبدیل شده است. این تغییر ژئوپلیتیک، به باور تحلیلگران روسی، می‌تواند جرقه درگیری‌های گسترده‌تری را در منطقه بالتیک و شمال اروپا بزند؛ سناریویی که نه‌تنها فنلاند، بلکه کل ناتو را وارد مرحله‌ای از تنش پایدار با مسکو خواهد کرد.

لهستان، نقطه جوشان بحران در جناح شرقی ناتو

پرواز پهپادهای روسی برفراز لهستان و واکنش سرد ترامپ به این ماجرا، بار دیگر ورشو را در کانون توجهات قرار داد. لهستان به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش میان اوکراین و آلمان، از حساس‌ترین اعضای ناتو در شرق اروپا به شمار می‌رود و هرگونه تهدید علیه آن می‌تواند کل ائتلاف را در برابر آزمونی بزرگ قرار دهد. با وجود این، مقامات لهستانی ترجیح داده‌اند ماجرا را بزرگنمایی نکنند؛ شاید به این دلیل که به‌خوبی می‌دانند واکنش شدید می‌تواند پای ناتو را به درگیری مستقیمی با روسیه بکشاند؛ سناریویی که هیچ‌یک از طرفین برای آن آماده نیستند. از سوی دیگر، افکار عمومی لهستان نگران است که سکوت اروپا و آمریکا در برابر این اقدامات روسیه، نشانه‌ای از شکاف عمیق در ساختار دفاعی ناتو باشد؛ شکافی که می‌تواند در آینده نزدیک هزینه‌های سنگینی برای ورشو و همسایگانش به همراه داشته باشد.

آینده مبهم امنیت اروپا و بازگشت سایه جنگ سرد

مجموعه تحولات اخیر از ناکامی در پایان دادن به جنگ اوکراین تا آغاز عملیات «نگهبان شرقی»، از افزایش حضور نظامی ناتو در فنلاند تا حملات پهپادی روسیه در لهستان، همگی حکایت از ورود اروپا به مرحله‌ای تازه از جنگ فرسایشی دارند؛ جنگی که نه‌تنها به مرزهای اوکراین محدود نخواهد ماند، بلکه می‌تواند جبهه‌های تازه‌ای در شرق و شمال قاره ایجاد کند. کارشناسان معتقدند تداوم این روند در نهایت اروپا را وارد نوعی «جنگ سرد مدرن» خواهد کرد؛ وضعیتی که در آن هیچ‌یک از طرفین به‌دنبال مصالحه نخواهند بود و مسابقه تسلیحاتی، استقرار سامانه‌های دفاعی و جنگ‌های نیابتی به‌طور فزاینده‌ای گسترش خواهد یافت. با توجه به مواضع دوپهلو و گاه متناقض آمریکا، اختلافات درون ناتو و جسارت فزاینده روسیه، به نظر می‌رسد قاره سبز در حال حرکت به سوی دوره‌ای طولانی از بی‌ثباتی امنیتی است؛ دوره‌ای که شاید نقطه پایان آن نه در کی‌یف، بلکه در مرزهای ناتو با روسیه رقم بخورد.

گزارش

حمایت قاطع مجمع عمومی سازمان ملل از تشکیل کشور فلسطین

۱۴۲ چراغ سبز برای یک کشور

تصویب قطعنامه پیشنهادی فرانسه و عربستان سعودی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ۱۴۲ رأی موافق، تنها ۱۰ رأی مخالف و ۱۲ رأی ممتنع را می‌توان نقطه عطفی در مناقشه دیرینه فلسطین و اسرائیل دانست. این رأی‌گیری نه‌تنها به‌طور نمادین حمایت گسترده جامعه بین‌المللی از راه‌حل دو دولتی را به نمایش گذاشت، بلکه در عمل نشان داد که اظهارات صریح بنیامین نتانیاهو مبنی بر «عدم تشکیل کشور فلسطین» با مخالفت آشکار جهانی روبه‌رو شده است.

فرانسه و عربستان سعودی با ارائه این قطعنامه و برگزاری کنفرانس بین‌المللی در نیویورک طی ماه ژوئیه، تلاش کردند مسیر بازگشت‌ناپذیری به سمت تشکیل کشور فلسطین ترسیم کنند. وعده امانوئل مکرون برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین در نشست آتی ۲۲ سپتامبر نیز بُعد عملی‌تری به این روند داده است.

از منظر تحلیلی، این تحولات نشان می‌دهد که توازن دیپلماتیک در مناقشه فلسطین–اسرائیل به‌تدریج در حال تغییر است. اگرچه ایالات متحده و اسرائیل با تحریم کنفرانس نیویورک و مخالفت با این قطعنامه تلاش کردند روند بین‌المللی حمایت از فلسطین را بی‌اعتبار جلوه دهند اما رأی قاطع مجمع عمومی اثبات کرد که روایت تل‌آویو و واشنگتن دیگر انحصار گفتمان جهانی درباره این بحران را در اختیار ندارد.

مخالفت آمریکا و اسرائیل؛ نگرانی از تغییر موازنه قدرت

واشنگتن و تل‌آویو، هر دو با شدتی کم‌سابقه به این قطعنامه واکنش نشان دادند. مورگان اورتگاس، نماینده آمریکا، آن را تهدیدی علیه «ترکیب جمعیتی» اسرائیل خواند و مدعی شد که اجرای راه‌حل دو دولتی «پاداش دادن به حماس» است. اسرائیل نیز از طریق نماینده خود در سازمان ملل، دنی دانون، این مصوبه را «یکجانبه و غیرواقع‌بینانه» توصیف کرد که به‌زعم او «دروغ‌های دشمنان اسرائیل» را بازتاب می‌دهد.

بااین‌حال، مخالفت آمریکا و اسرائیل بیش از آنکه ناشی از نگرانی‌های صرفا امنیتی باشد، به نظر می‌رسد ریشه در ملاحظات ژئوپلیتیک و توازن قدرت در خاورمیانه دارد. در سال‌های اخیر، ائتلاف‌های جدید منطقه‌ای از جمله نزدیکی ریاض و پاریس با برخی کشورهای عربی و اروپایی، فضای دیپلماتیک تازه‌ای علیه انحصار آمریکا در روند صلح خاورمیانه ایجاد کرده است. این تحولات، امکان شکل‌گیری یک محور بین‌المللی مستقل برای حل مناقشه فلسطین را تقویت می‌کند؛ محوری که ممکن است سیاست‌های سنتی آمریکا و اسرائیل را به چالش بکشد.

از زاویه‌ای دیگر، مخالفت آشکار واشنگتن با تشکیل کشور فلسطین، در تضاد با گفتمان رسمی آمریکا درباره «دموکراسی و حق تعیین سرنوشت» قرار می‌گیرد. این تناقض، به‌ویژه در میان کشورهای جنوب جهانی و حتی برخی متحدان اروپایی آمریکا، بازتاب‌های منفی گسترده‌ای داشته و ممکن است به تدریج اعتبار اخلاقی و سیاسی واشنگتن را در نظام بین‌الملل تضعیف کند.

پیامدهای ژئوپلیتیک و آینده روند صلح

تصویب قطعنامه مجمع عمومی را باید نه پایان راه، بلکه آغاز مرحله‌ای تازه در دیپلماسی خاورمیانه دانست. این قطعنامه صرفا جنبه نمادین ندارد؛ بلکه با ارائه گام‌های عملی و زمان‌بندی‌شده، مسیر روشنی برای تحقق راه‌حل دو دولتی ترسیم کرده است. اگر نشست ۲۲ سپتامبر در نیویورک بتواند حمایت کشورهای بیشتری را برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین جلب کند، ممکن است فشار دیپلماتیک بر اسرائیل به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش یابد.

از منظر ژئوپلیتیک، این تحول می‌تواند چند پیامد مهم داشته باشد که نخستین پیامد آن ناظر به تغییر رویکرد اروپاست. چراکه موضع فعال فرانسه در این روند و احتمال پیوستن سایر کشورهای اروپایی به رسمیت شناختن کشور فلسطین، شکاف آشکاری در مواضع غرب ایجاد خواهد کرد. این شکاف می‌تواند از وزن دیپلماتیک آمریکا در مدیریت بحران خاورمیانه بکاهد. پیامد دوم به افزایش فشار بر اسرائیل بازمی‌گردد. در این باره رأی قاطع ۱۴۲ کشور نشان داد که انزوای دیپلماتیک اسرائیل در حال تعمیق است. اگر روند به رسمیت شناختن کشور فلسطین در سطح بین‌المللی شتاب بگیرد، تل‌آویو ممکن است با مشروعیت‌زدایی گسترده‌تری روبه‌رو شود. پیامد سوم هم تقویت جایگاه قدرت‌های نوظهور خواهد بود. چون عربستان سعودی با ایفای نقش محوری در این روند، تلاش می‌کند خود را به‌عنوان بازیگری کلیدی در معماری جدید خاورمیانه معرفی کند. این رویکرد می‌تواند نقش سنتی آمریکا در مدیریت مناقشه فلسطین–اسرائیل را به چالش بکشد.

بااین‌حال، موانع جدی همچنان باقی است. مخالفت سرسختانه اسرائیل، نفوذ سیاسی لابی‌های حامی تل‌آویو در آمریکا و احتمال بروز درگیری‌های جدید در غزه و کرانه باختری، روند اجرای راه‌حل دو دولتی را پیچیده می‌کند. افزون بر این، نبود یک اجماع روشن در درون جامعه فلسطینی، به‌ویژه شکاف میان تشکیلات خودگردان و حماس، می‌تواند تحقق عملی این راه‌حل را با چالش مواجه سازد.

تصویب قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در حمایت از راه‌حل دو دولتی، بازتاب‌دهنده تغییرات عمیق در موازنه دیپلماتیک جهانی است. مخالفت آمریکا و اسرائیل نشان می‌دهد که این دو بازیگر نگران از دست دادن کنترل انحصاری خود بر روند صلح خاورمیانه هستند. بااین‌حال، حمایت گسترده ۱۴۲ کشور ثابت کرد که روایت رسمی تل‌آویو و واشنگتن دیگر تعیین‌کننده اصلی گفتمان جهانی درباره فلسطین نیست.

آینده این روند به عوامل متعددی بستگی دارد که شامل مواضع اروپا، فشار افکار عمومی جهانی، تحولات داخلی اسرائیل و فلسطین و البته نقش قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی خواهد بود. با در نظر گرفتن پارامترهای مذکور و سایر عوامل ناگفته، اگر این روند با دیپلماسی فعال و اجماع بین‌المللی همراه شود، ممکن است برای نخستین‌بار در دهه‌های اخیر چشم‌اندازی واقعی برای حل مسالمت‌آمیز مناقشه فلسطین–اسرائیل پدیدار شود.

یادداشت

محاکمه‌ای تاریخی و آغاز فصل تازه در سیاست برزیل

سقوط امپراتور برزیلی

گروه سیاسی | محکومیت ژائیر بولسونارو، رئیس‌جمهور سابق برزیل به اتهام تلاش برای کودتا پس از شکست در انتخابات ۲۰۲۲، نه‌تنها رخدادی بی‌سابقه در تاریخ این کشور است، بلکه نقطه عطفی در سیاست معاصر آمریکای لاتین محسوب می‌شود. اکثریت قضات دیوان عالی برزیل در حالی این حکم را صادر کردند که بولسونارو از ابتدا تمامی اتهامات را رد کرده و خود را قربانی «شکار جادوگران سیاسی» خوانده است. با این حال، مستندات ارائه‌شده از سوی دادستانی، او را رهبر اصلی یک سازمان جنایی معرفی کرد که هدف آن ماندن در قدرت به هر قیمت بود. محاکمه بولسونارو در عمل ورق تازه‌ای در تاریخ دموکراسی برزیل گشود. این نخستین بار است که یک رئیس‌جمهور پیشین، نه صرفا به اتهام فساد یا سوءمدیریت، بلکه به جرم سازماندهی برای براندازی نظم دموکراتیک محکوم می‌شود. این موضوع به‌طور طبیعی شکاف‌های سیاسی موجود را تشدید کرده است. از یک سو، هواداران بولسونارو با حمل پرچم و شعارهای «دفاع از آزادی»، این حکم را اقدامی سیاسی از سوی دولت لولا داسیلوا دانسته و در برخی شهرها تظاهرات کردند. از سوی دیگر، مخالفان او، این حکم را نشانه بلوغ نظام قضایی و پایان مصونیت سیاسی مقامات عالی‌رتبه در برزیل قلمداد کردند. با وجود محکومیت سنگین بیش از ۲۷ سال زندان و محرومیت انتخاباتی تا سال ۲۰۳۰، هنوز ابهامات فراوانی درباره آینده سیاسی بولسونارو و متحدانش وجود دارد. برخی تحلیلگران معتقدند احتمال عفو سیاسی یا تغییر آرایش قدرت در کنگره می‌تواند مسیر بازگشت او به عرصه قدرت را فراهم کند، در حالی که گروهی دیگر بر این باورند این حکم عملا پایان حیات سیاسی «ترامپ برزیل» است.

پیامدهای دیپلماتیک و سایه سنگین ترامپ بر روابط دو کشور

صدور این حکم نه‌تنها معادلات سیاسی داخلی برزیل را تغییر داده، بلکه روابط خارجی این کشور، به‌ویژه با ایالات متحده را تحت‌الشعاع قرار داده است. در نخستین واکنش، دونالد ترامپ، متحد دیرین بولسونارو و رئیس‌جمهور آمریکا، با لحنی تند این محکومیت را «شکار جادوگران» خواند و حتی از اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه برزیل سخن گفت. ترامپ که خود پیشتر با پرونده‌های قضایی مشابهی در آمریکا دست‌وپنجه نرم می‌کرد، محاکمه بولسونارو را نشانه «تسویه‌حساب سیاسی» دانسته و این امر می‌تواند روابط شکننده دو کشور را بیش از پیش متشنج سازد. برزیل در دوره ریاست‌جمهوری لولا داسیلوا تلاش کرده است تا موازنه‌ای میان روابط با آمریکا و چین برقرار کند. با این حال، تقابل لفظی ترامپ و احتمال تشدید فشارهای اقتصادی در قالب تعرفه‌های سنگین، می‌تواند سیاست خارجی برزیل را با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو کند. برخی ناظران معتقدند در صورتی که ترامپ روی موضوع اجرای حکم بولسونارو حساسیت به خرج دهد، این پرونده به موضوعی تنش‌زا در روابط دوجانبه بدل شود و حتی می‌تواند بر همکاری‌های اقتصادی و امنیتی دو کشور سایه بیفکند. از سوی دیگر، واکنش احتمالی سایر دولت‌های راست‌گرا در آمریکای لاتین و اروپا نیز اهمیت دارد. محکومیت بولسونارو ممکن است برای برخی دولت‌ها پیام روشنی درباره محدودیت‌های سیاسی و قضایی باشد اما در عین حال، می‌تواند باعث همبستگی بیشتر جناح‌های راست افراطی در برابر آنچه «مهندسی سیاسی چپ‌گرایانه» می‌نامند، شود. این مسئله در صورت گسترش، نظم دیپلماتیک منطقه را دستخوش تغییر خواهد کرد.

شکاف سیاسی ـ اجتماعی و خطر بحران داخلی در برزیل

آنچه این پرونده را فراتر از یک محاکمه فردی قرار می‌دهد، پیامدهای اجتماعی و سیاسی آن در داخل برزیل است. بولسونارو طی دوران ریاست‌جمهوری‌اش گفتمان تند راست‌گرایانه‌ای را ترویج کرد که با انتقاد از نخبگان سیاسی، رسانه‌ها و حتی نهادهای دموکراتیک همراه بود. این رویکرد، مشابه با راهبردهای دونالد ترامپ در آمریکا، جامعه برزیل را به‌شدت دوقطبی کرد. اکنون با صدور حکم محکومیت او، این شکاف‌های سیاسی و اجتماعی در معرض تعمیق بیشتر قرار گرفته است.

تظاهرات خیابانی هواداران بولسونارو و تهدید برخی گروه‌های افراطی به «مقاومت مدنی» نشان می‌دهد که اجرای این حکم می‌تواند بحران مشروعیت سیاسی را در برزیل تشدید کند. برخی تحلیلگران بر این باورند که در صورت حبس طولانی‌مدت بولسونارو، خطر افراطی‌شدن بخشی از هواداران او و حتی بروز خشونت‌های پراکنده در شهرهای مختلف وجود دارد. این سناریو به‌ویژه با توجه به سابقه حمله هواداران او به کنگره و کاخ ریاست‌جمهوری در ژانویه ۲۰۲۳، جدی تلقی می‌شود. در چنین شرایطی، دولت لولا داسیلوا با چالشی چندلایه مواجه است؛ از یک سو، باید بر اجرای حکم و حفظ اقتدار قضایی تأکید کند و از سوی دیگر، مانع از فروغلتیدن کشور به ورطه درگیری‌های خیابانی و بحران سیاسی شود. آینده برزیل در گرو آن است که آیا این کشور می‌تواند میان عدالت‌خواهی و حفظ ثبات اجتماعی تعادل برقرار کند یا خیر؛ تعادلی که در صورت شکست، ممکن است این کشور را وارد دوره‌ای تازه از بی‌ثباتی و تلاطم سیاسی کند.

چرخ‌های زنگ‌زده خودروهای آلمانی

صنعت خودروسازی آلمان با از دست دادن ۵۱ هزار شغل در سال گذشته، کاهش ۶.۷ درصدی را تجربه کرد

رامتین لطیفی
دبیر بین‌الملل

نمایشگاه مونیخ با رژه‌ای از تازه‌ترین مدل‌های خودرو، طراحی‌های آینده‌نگر و جلوه‌های نمایشی آغاز شد؛ اما واقعیت آن است که صنعت خودروی آلمان در سال‌های اخیر با بحران‌های ساختاری و تصمیمات پرهزینه مواجه شده است. دکتر مارتین برامل، اقتصاددان تجارت خارجی، بر این باور است که ریشه اصلی مشکلات نه در فشار خارجی بلکه در سیاست‌های نادرست داخلی نهفته است. به گفته او، افزایش مداوم هزینه‌های جانبی حقوق و دستمزد، از جمله سهم بالای بیمه‌های اجتماعی، شرکت‌های خودروسازی را به مرز فرسایش رسانده است. علاوه بر آن، قوانین پیچیده زنجیره تأمین و حجم انبوه بوروکراسی اداری، کار را برای تولیدکنندگان دشوار کرده است. برامل تاکید می‌کند که دولت آلمان باید به جای اعمال محدودیت‌های تازه، شرایط محیط کسب‌وکار را بهبود بخشد و انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید را تقویت کند. بر پایه آمار رسمی، طی یک دهه گذشته سهم صنعت خودرو از تولید ناخالص داخلی آلمان از حدود ۵ درصد به کمتر از ۳.۵ درصد کاهش یافته است؛ کاهشی که نشان‌دهنده فرسایش تدریجی قدرت این صنعت در اقتصاد ملی است.

جدال برسر موتورهای احتراقی

بحث برسر ممنوعیت تولید خودروهای بنزینی و دیزلی از سال ۲۰۳۵، به موضوعی داغ در سیاست و اقتصاد آلمان تبدیل شده است. مارکوس زودر، نخست‌وزیر ایالت بایرن، این طرح را غیرواقع‌بینانه دانسته و هشدار داده که اجرای آن می‌تواند صدها هزار شغل را در معرض نابودی قرار دهد. بر پایه گزارش یک مؤسسه معتبر حسابرسی، در یک سال گذشته نزدیک به ۵۲هزار شغل در صنعت خودرو آلمان از بین رفته است؛ رقمی که بیشترین کاهش اشتغال در میان صنایع این کشور را نشان می‌دهد. دکتر برامل نیز با این دیدگاه همراه است و تاکید دارد که نیمی از صادرات خودروی آلمان همچنان به مدل‌های احتراقی اختصاص دارد و سود اصلی شرکت‌ها نیز در همین بخش حاصل می‌شود. او بر این باور است که سیاست‌های اقلیمی باید با مکانیزم‌های مبتنی بر بازار و قیمت‌گذاری هوشمندانه هدایت شوند، نه با دستورالعمل‌های دستوری که واقعیت صنعت را نادیده می‌گیرد. طبق گزارش‌های بین‌المللی، آلمان در سال ۲۰۱۲ حدود ۲۲درصد از صادرات جهانی خودرو را در اختیار داشت، اما این سهم تا سال ۲۰۲۲ به حدود ۱۴درصد کاهش یافته است. این روند نشان می‌دهد که فشار سیاست‌های اقلیمی و تغییر ذائقه بازار جهانی، به تدریج جایگاه آلمان را متزلزل کرده است.

چین، آمریکا و میدان رقابت جهانی

رقابت فزاینده با خودروسازان چینی و افزایش تعرفه‌های وارداتی آمریکا جبهه‌ای تازه از بحران را آشکار کرده است. دولت ایالات متحده نرخ تعرفه خودروهای آلمانی را از ۲.۵درصد به ۱۵درصد افزایش داده، در حالی که خودروهای آمریکایی بدون تعرفه وارد بازار اروپا می‌شوند. این اختلاف آشکار، به گفته کارشناسان، شرکت‌های آلمانی را به انتقال خطوط تولید به خاک آمریکا ترغیب خواهد کرد تا همزمان بازار اروپا و آمریکا را پوشش دهند. در همین حال، تنوع حیرت‌انگیز برندهای چینی از جمله «بی‌وای‌دی»، «جک»، «اومودا» و «اکس‌پنگ» در نمایشگاه مونیخ نگاه‌ها را به خود جلب کرد. اگرچه هنوز تنها یک‌ششم مردم آلمان تمایل به خرید خودروهای چینی دارند اما نگرانی از قدرت‌گیری تدریجی چین در بازار جهانی خودروهای برقی جدی است. با این حال، صنعت خودروی آلمان هنوز مزیت‌هایی دارد. در سال گذشته میلادی، صادرات خودروهای برقی آلمان به بیش از ۷۵کشور جهان گسترش یافت و ارزش صادراتی آن به ۵۸ میلیارد یورو رسید اما همان‌گونه که برامل یادآوری می‌کند، خودروهای برقی به دلیل سادگی ساخت و نیاز کمتر به قطعات، فرصت‌های شغلی کمتری ایجاد می‌کنند و این موضوع چالشی پایدار برای بازار کار است.

سیاست تجاری اروپا؛ از ضعف تا وابستگی

اقتصاددانان بارها هشدار داده‌اند که اتحادیه اروپا در مذاکرات تجاری، بیش از حد بر موضوعات زیست‌محیطی و استانداردهای کارگری و اجتماعی پافشاری می‌کند. دکتر برامل این رویکرد را «ماموریت‌گرایانه و غیرعملی» می‌داند و هشدار می‌دهد که اگر اروپا بخواهد همه شرکا را به پذیرش استانداردهای خود وادار کند، در نهایت فقط با خودش تجارت خواهد کرد. او یادآوری می‌کند که اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۸، در واکنش به تعرفه‌های فلزات ترامپ، با اعمال تعرفه‌های متقابل توانست واشنگتن را وادار به عقب‌نشینی کند. اما امروز، در سایه جنگ اوکراین و نیاز مبرم اروپا به حمایت امنیتی ایالات متحده، بروکسل به ناچار در برابر فشارهای اقتصادی واشنگتن انعطاف بیشتری نشان می‌دهد. با این حال، پیش‌بینی می‌شود که این شرایط ناپایدار باقی نخواهد ماند. به باور برامل، اروپا در آینده و پس از تغییر موازنه جنگ اوکراین، به بازنگری در توافق‌های تجاری و تعرفه‌ای با آمریکا دست خواهد زد.

تا آن زمان، صنعت خودرو آلمان باید در برابر همزمانی فشارهای داخلی و خارجی، راهی تازه برای بقا بیابد.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

کیوسک

نیویورک‌پست آمریکا، تیتر و عکس خود را به چهره قاتل چارلی کرک اختصاص داد و چهره او را «چهره تنفر» توصیف کرد. ضارب روی گلوله‌هایش شعارهای ضدفاشیستی و ضدسرمایه‌داری نوشته بود.

نیویورک‌تایمز آمریکا، عکس اصلی خود را به مراسم ترحیم و یادبود چارلی کرک اختصاص داد، مراسمی که با حضور هزاران نفر در سراسر آمریکا برگزار شد.

آگهی مزایده عمومی اموال و املاک غیر منقول
(مزایدهٔ مرحلهٔ دوم سال ۱۴۰۴ مدیریت شعب بانک توسعه تعاون استان تهران)
(شماره مرجع: ۲/غ/۱۷۹۹/۱۴۰۴)

بانک توسعه تعاون
TOSE'E TA'AVON BANK
مدیریت شعب استان تهران

مدیریت شعب بانک توسعه تعاون استان تهران در نظر دارد تعدادی از اموال و املاک تملیکی و مازاد خود را از طریق مزایده عمومی(مرحله دوم سال ۱۴۰۴) به شرح ذیل و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده و با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (setadiran.ir) را به صورت الکترونیکی به فروش برساند.

- زمان انتشار در سایت و روزنامه های کثیرالانتشار: روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ ساعت ۸:۰۰ صبح.
- تاریخ بازدید: از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ إلی روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ از ساعت ۹:۰۰ صبح إلی ۱۳:۰۰ بعدازظهر
- آخرین مهلت دریافت اسناد مزایده از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت : از روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ تا روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ ساعت ۱۸:۰۰ .
- آخرین مهلت درج و ارسال پیشنهاد قیمت در سامانه : از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ تا روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ تا ساعت ۱۹:۰۰
- زمان گشایش پاکات و اعلام اولیه به برندگان مزایده : روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ ساعت ۱۰:۰۰ صبح.
- زمان اعلام قطعی به برنده: پس از تأییدیه کمیسیون معاملات مدیریت شعب استان تهران و ازطریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت.
- زمان انعقاد قرارداد با برنده مزایده: پس از اعلام از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت صورت می پذیرد.

ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی می باشد :

هزینه های هرگونه عوارض سالجاری املاک بعلاوه ۵۰٪ هزینه های نقل و انتقال در دفترخانه(بجز بدهی های شهرداری، مالیاتی ، بیمهٔ تأمین اجتماعی ، عوارض سنوات گذشته و . . .) به عهدهٔ خریدار خواهد بود.

تضمین شرکت در مزایده معادل ۵٪ قیمت پایه به حساب شمارهٔ ۱۷۰۰/۱۱۱/۱۰۰۰۰/۴ بنام وجوه واریزی واحد مالی مدیریت شعب بانک توسعه تعاون استان تهران واریز شود.

فروش و واگذاری کلیهٔ املاک بصورت ۱۰۰٪ نقدی بوده که برندهٔ مزایده موظف به واریز کلیهٔ مبلغ ثمن معامله معادل ۹۵٪ از مبلغ باقیماندهٔ پیشنهادی (علاوه بر ۵٪ سپرده قیمت پایه و مابه التفاوت پیشنهادی)، ظرف مدت ۷ روز از تاریخ اعلام به برنده به حساب اعلامی بانک می باشد. که در صورت عدم واریز به موقع مبالغ فوق سپرده ۵٪ واریزی اولیه به نفع بانک ضبط خواهد گردید.

بانک در همه حال در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات خریداران مختار است.

ضمناً تخلیه املاک دارای متصرف بر عهده خریدار می باشد و همچنین بازدید از املاک الزامی بوده و ملک با وضعیت موجود واگذار می گردد.

واگذاری و انتقال سند کلیهٔ املاک به برندگان مزایده پس از تأیید کمیسیون معاملات مدیریت شعب استان تهران می باشد.

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و هماهنگی جهت بازدید(درصورت امکان) در ساعات اداری به مدیریت شعب استان به آدرس: تهران، میدان ونک، خیابان ملاصدرا، بعد از پل کردستان، پلاک ۸۴، طبقه اول واحد اداری و پشتیبانی مراجعه و یا با شماره های ۰۲۱-۸۳۳۷۱۱۱۱ و ۰۲۱-۸۳۳۷۱۱۱۲ تماس حاصل نمایند.

برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت میسر می باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده از سامانه (در صورت وجود هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت در مزایده، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پیشنهادات، اعلام به برنده و واریز وجه مزایده در بستر این سامانه امکان پذیر می باشد.

کلیه اطلاعات املاک و مستغلات شامل مشخصات، شرایط و نحوه فروش در برد اعلان عمومی سامانه مزایده، قابل مشاهده، بررسی و انتخاب می‌باشد.

علاقمندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره های ذیل تماس حاصل نمایند:

- مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه: ۴۱۹۳۴-۰۲۱
- دفتر ثبت نام استان ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸- ۰۲۱

اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان‌ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش "ثبت نام / پروفایل مزایده‌گر" موجود است.

شرح مختصری از املاک و مستغلات

ردیف	آدرس	پلاک ثبتی	نوع ملک	عرصه (مترمربع)	اعیان (مترمربع)	قیمت پایه (به ریال)	شرایط واگذاری	توضیحات	مبلغ ۵٪ تضمین (به ریال)
۱	استان مازندران، چالوس، خیابان آیت اله غفاری، قبل از ظفر ۲۱، جنب شمالی مجتمع نگین.	۱۰۲۵ و ۱۱۶۰ فرعی از ۸ و ۹ اصلی مفروز و مجزی از پلاک ۳۳۱ بخش ثبتی یک چلوس قطعه ۲ و ۳	زمین با بنای احداثی	۱۲۹۶ مترمربع	۱۸۳ مترمربع	۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (شش دانگ عرصه و اعیان)	۱۰۰٪ نقدی	یک قطعه زمین به مساحت ۱۲۹۶ مترمربع که پلاک های تجمیع شده محصور به دیوار و دروازه و با بر تقریبا ۳ متر بوده و باقیمانده عرصه حیاط و دارای درختان مرکب بصورت باغ می باشد. ملک دارای یک بنای احداثی اسکلت بتنی به مساحت ۱۸۳ مترمربع با قدمت ۲۹ سال یک طبقه و سه خوابه بوده و همچنین ساختمان دارای آب برق و گاز و فاقد پارکینگ مسقف و انباری می باشد. ملکِ مذکور در ضلع جنوبی دارای عقب نشینی می باشد و همچنین دارای متصرف بوده و خلع ید با برنده مزایده می باشد.ضمناً بازدید از ملک الزامی بوده و واگذاری باوضع موجود می باشد. و همچنین بنای موجود دارای پایانکار به شماره نامه ۲۸۲۸ مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۲ بوده و فاقد حقوق ارتفاقی می باشد.	۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۲	استان قزوین، تاکستان، انوبان قزوین - زنجان، از جاده مرغداری سابق آقای دائمی به فاصله ۲۵۵۰ متر به طرف شمال و به فاصله ۵۰۰ متر به سمت غرب،	۵۰۳۱ فرعی از ۱ اصلی بخش ۸ تاکستان	زمین	۳۰۰۰۰	ندارد	۱۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (شش دانگ عرصه)	۱۰۰٪ نقدی	یک قطعه زمین به مساحت عرصه ۳۰۰۰۰ مترمربع(سه هکتار) با کاربری کشاورزی دیم که فاقد اعیانی و هرگونه مستحدثات بوده و همچنین فاقد منابع آبی مطمئن می باشد. ملک دارای سند تک برگی می باشد. و همچنین ملک در طرح هادی روستا قرار ندارد. ضمنا بازدید از ملک الزامی بوده و واگذاری با وضع موجود می باشد.	۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۳	استان گیلان، شهرستان رودبار، بخش مرکزی شهر رودبار، روستای گلدیان، اولین کوچه دست چپ، کوچه شهید علیزاده، بن بست رامین معینی، و باکد پستی: ۴۴۶۱۹۵۶۸۰۱	۴۹۷ فرعی از ۴ اصلی مفروز و مجزی از پلاک ۲۴۷ فرعی از اصلی مذکور بخش ۱۸ رودبار	زمین با بنای قدیمی ساخت مخروبه	۱۸۹/۶۴	خانه و محوطه مخروبه	۵/۶۸۹/۲۰۰/۰۰۰ ریال (شش دانگ عرصه و اعیان)	۱۰۰٪ نقدی	ششدانگ عرصه و اعیان خانه مشتمل بر محوطه و به وضعیت طلق با کاربری طبیعی به مساحت عرصه ۱۸۹/۶۴ مترمربع دارای سند تک برگی می باشد. عرصه فوق دارای اعیانات(خانه و محوطه) مخروبه و فاقد انشعابات آب، برق و گاز می باشد	۲۸۴/۴۶۰/۰۰۰ ریال
۴	استان تهران، کیلومتر ۴۵ جاده خاوران، شهرک صنعتی علی آباد، بلوار صنوبر، نبش خیابان یاسمن ۶ ، قطعه B۵۶ (تحت تصرف شرکت گندم طلایی آفتاب.	۴۱۲ – ۷۲۸ دفترچه واگذاری شرکت شهرکهای صنعتی	صنعتی	۲۸۰۰	۱۳۲۰	۵۰/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (حق بهره برداری از شش دانگ عرصه ملک)	۱۰۰٪ نقدی	ملک مذکور وفق مستندات دارای عرصه به مساحت ۲۸۰۰ مترمربع به ابعاد ۴۰ مترعرض × ۷۰ مترطول و دارای اعیان با مساحت ۱۳۲۰ مترمربع که اعیان در تصرف و مورد بهره برداری و متعلق به شرکت گندم طلایی آفتاب می باشد و مبلغ پایه کارشناسی در شرایط عادی، ارزش بهره برداری از عرصه ملک معادل ارزش ششدانگ عرصه ملک است که در شرایط فعلی معادل مبلغ قیمت پایه کارشناسی(مزایده) است. ولیکن درحال حاضر با توجه به وجود متصرف مذکور، مالک حق بهره برداری از عرصه ملک و حتی ورود به ملک را ندارد و نهایتا با انجام اقدامات قانونی و با حکم مرجع قضایی مستحق دریافت اجاره بهای عرصه می باشد که مبلغ اجاره بهای عرصه در مقایسه با قیمت آن ناچیز است. عرصه ملک دارای متصرف(توسط مالک و بهره بردار اعیانی) بوده و هرگونه توافق احتمالی با مالک اعیانی جهت واگذاری حق بهره برداری عرصه به ایشان با خریدار(برنده مزایده) می باشد.	۲/۵۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۵	استان قزوین، شهرک صنعتی دانسفهان، بلوار میرداماد، انتهای خیابان شیخ بهایی، نبش خیابان بیدل دهلوی، ملک تحت تصرف شرکت رعناسمن	۱۰۲۰ فرعی از ۱۳ اصلی بخش ۶ قزوین	صنعتی	۵۲۳۷/۲۳	۱۵۴۷	۵۲/۳۷۳/۳۰۰/۰۰۰ ریال (حق بهره برداری از شش دانگ عرصه ملک)	۱۰۰٪ نقدی	ملک واقع در شهرک صنعتی دانسفهان می باشد و قسمتی از پلاک ثبتی ۱۰۲۰ فرعی از ۱۳ اصلی با شماره ثبت ۶۶۰۴ در دفتر ۴۳ صفحه ۲۳ بوده که به شرکت شهرکهای صنعتی استان قزوین واگذار و این شرکت نیز متعاقبا حق بهره برداری از زمین مورد اشاره را طی قرارداد بشماره ۱۵۶۴ مورخ ۱۳۸۹/۰۲/۱۱ به شرکت رعناسمن واگذار نموده است که نهایتا حق بهره برداری عرصه در تملک بانک قرار گرفته است. و میزان حق بهره برداری ملک مذکور مطابق قیمت گذاری ارائه شده برای عرصه می باشد. ضمنا ملک مذکور وفق مستندات دارای اعیانی به مساحت ۱۵۴۷ مترمربع بوده که اعیان در تصرف و مورد بهره برداری و متعلق به شرکت رعناسمن می باشد و مبلغ پایه کارشناسی در شرایط عادی، ارزش بهره برداری از عرصه ملک معادل ارزش ششدانگ عرصه ملک است که در شرایط فعلی معادل مبلغ قیمت پایه کارشناسی(مزایده) است. ولیکن درحال حاضر با توجه به وجود متصرف مذکور، مالک حق بهره برداری از عرصه ملک و حتی ورود به ملک را ندارد و نهایتا با انجام اقدامات قانونی و قضایی مستحق دریافت اجاره بهای عرصه می باشد. عرصه ملک دارای متصرف(توسط مالک و بهره بردار اعیانی) بوده و هرگونه توافق احتمالی با مالک اعیانی جهت واگذاری حق بهره برداری عرصه به ایشان با خریدار(برنده مزایده) می باشد	۲/۶۱۸/۶۶۵/۰۰۰ ریال
۶	استان آذربایجان غربی، شهرستان خوی، کیلومتر ۱۵ جاده سلماس، شهرک صنعتی خوی، بلوار علم و صنعت، نبش بلوار صنعتگران ۲ ، ملک تحت تصرف شرکت اسپیدار سبز خوی	شماره قرارداد ۵۴۹ مورخ ۱۳۷۲/۰۴/۰۶	صنعتی	۴۲۰۰	۲۳۸۲/۸۰	۸۱/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (حق بهره برداری از شش دانگ عرصه ملک)	۱۰۰٪ نقدی	ملک مورد نظر دارای اعیانی سوله و نیم طبقه و سایر اعیانی جمعا به مساحت ۲۳۸۲/۸۰ مترمربع بوده که اعیانی متعلق به شرکت اسپیدار سبزخوی می باشد و مبلغ پایه مزایده در شرایط عادی، ارزش بهره برداری از عرصه ملک و معادل ارزش ششدانگ عرصه ملک است که درشرایط فعلی معادل مبلغ قیمت پایه کارشناسی(مزایده) است.ولیکن درحال حاضر باتوجه به وجود متصرف مذکور، مالک بهره برداری ازعرصه ملک وحتی ورود به ملک را ندارد و نهایتا با انجام اقدامات قانونی و قضایی مستحق دریافت اجاره بهای عرصه می باشد. عرصه ملک دارای متصرف(توسط مالک و بهره بردار اعیانی) بوده و هرگونه توافق احتمالی با مالک اعیانی جهت واگذاری حق بهره برداری عرصه به ایشان با خریدار(برنده مزایده) می باشد.	۴/۰۹۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال

شناسه آگهی : ۱۹۹۸۹۸۱

م الف ۲۱۹۵

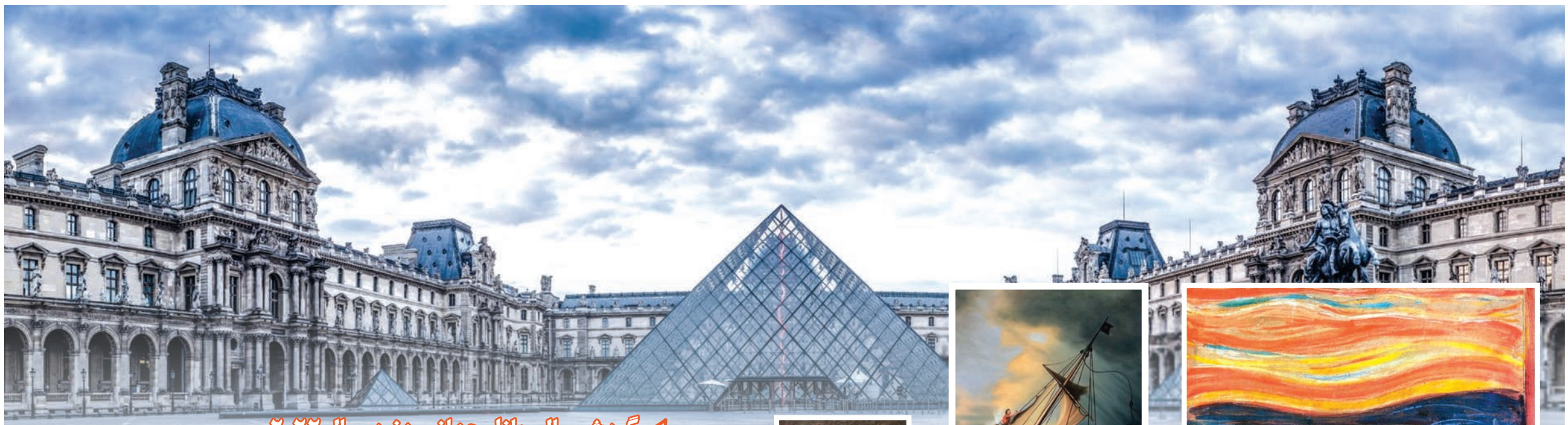

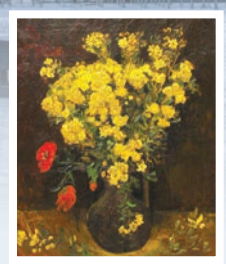

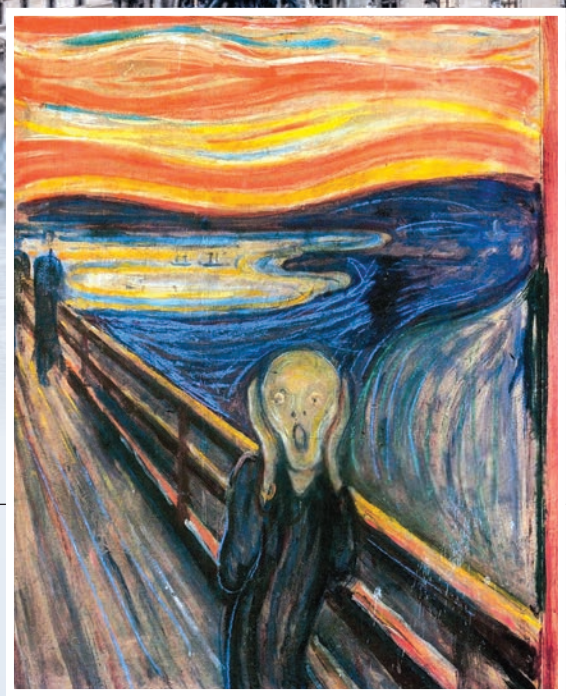

گردش مالی بازار جهانی هنر در سال ۲۰۲۲ به بیش از ۶۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار رسید

ارزش مالی بازار جهانی هنر در سال ۲۰۲۳ نیز به ۵۷۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار رسید

آرتین توکلی
هفت صبح

تصور کنید گنجینه‌ای ارزشـــمند، نه از طلا و جواهر که از جنس تاریخ، فرهنگ و روح یک ملت، ناگهان به سرقت برود. این همان کابوسی است که سال‌هاست رسانه‌ها خبرش را با جنجال منتشر می‌کنند. پدیده‌ای که قدمت زیادی دارد و همچون سایه‌ای شوم بر سر موزه‌ها، گالری‌ها، اماکن باستانی و حتی کلکسیون‌های خصوصی چنبره زده است. هر اثر هنری مسروقه، از «مونالیزا»ی گمشده در پاریس که شرح ماجرای سرقتش، افسانه‌ای جهانی شد، تا تابلوی «طوفان در دریای جلیل» رامبراند که پس از دزدیده شدن در بوستون اکنون در گوشه‌ای تاریک از تاریخ مانده است؛ فصلی از فرهنگ یک ملت را روایت می‌کند. این سرقت، فقط دزدیدن یک شیء نیست؛ این غارتی‌ست از فرهنگ یک ملت، از حافظه مشترک و میراثی که برای تمام بشریت ارزشمند است. در این گزارش، نگاهی به عمق این پدیده شوم خواهیم داشت؛ از آمارهای عجیب جرایم هنری تا تأثیر ویرانگر آن بر هویت فرهنگی ما و جهانیان.

نگاهی به پدیده سرقت آثار فرهنگی از دوره رنساس تاکنون در ایران و جهان

تاراج هنر تجارت پرسود جهانی

- تجارت آثار مسروقه هنری، بعد از تجارت مواد مخدر و اسلحه، سومین تجارت بزرگ جنایی جهان است
- در سطح جهانی سرقت از موزه‌ها، گالری‌ها و تابلوهای نقاشی رایج و در ایران حفاری‌های غیرمجاز و غارت محوطه‌های باستانی انجام می‌شود

آغاز یک تراژدی فرهنگی

با شکوفایی هنر در دوران رنســانس و شناخت بیشتر هنرمندانی مانند لئوناردو داوینچی و میکل آنژ، ارزش آثار هنری به شــدت افزایش یافــت. این افزایش ارزش، طمع جاعلان و سارقان را نیز برانگیخت. در این دوران، جعل امضا و سبک هنرمندان معروف برای کسب سود رایج شد. با ایجاد موزه‌ها و گالری‌های هنری و توسعه مجموعه‌های خصوصی در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی، تمرکز نگهداری آثار هنری برای سارقان جذابیت بیشتری ایجاد کرد. در همین دوران بود که دزدی و جعل آثار هنری به تیتر مطبوعات بدل شد و هم‌زمان، توجه مردم نیز به سمت آثار هنری و ماجراهای آن‌ها جلب شد. به گونه‌ای که حتی شهرت برخی از آثار هنری این قرون، مدیون دزدیده‌شان توسط سارقان و پخش شدن اخبار آن در مطبوعات است. در قرن بیستم، با جهانی شدن بازار هنر و افزایش نجومی قیمت‌ها، سرقت و جعل آثار هنری به صنعت سازمان‌یافته‌ای تبدیل شد. باندهای تبهکار، قاچاقچیان و حتی تروریست‌ها به این حوزه وارد شدند. در این دوران و سال‌های بعدش بود که جرم و جنایت، پیوندی ناگسستنی با هنر برقرار کرد و حتی گوی سبقت در جنجالی شدن و در صدرِ اخبار بودن را از برخی اتفاقات فرهنگی ربود.

اقتصاد زیرزمینی هنر؛ سومین تجارت بزرگ جنایی

در سال ۲۰۲۲، گردش مالی بازار جهانی هنر به بیش از ۶۷ میلیارد دلار رسید. ارزش مالی بازار جهانی هنر در سال ۲۰۲۳ نیز به ۵۷۹ میلیارد دلار رسید. این آمار تنها بخشِ رســمیِ ماجراســت، در دنیای مجرمان و بازارهای سیاه، هنر جوری دیگر معنا می‌شود و ارزشــی متفاوت دارد. طبق گزارش FBI در سال ۲۰۱۴، جرایم هنری، سومین جرم و تجارت پردرآمد دنیا بود. در حال حاضر نیز تجارت آثار مسروقه هنری، بعد از تجارت مواد مخدر و اسلحه، سومین تجارت بزرگ جنایی جهان است. براساس گزارش‌ها، سود ناخالص و سالانه این تجارت غیرقانونی ۳ میلیارد دلار اســت. با این وجود هرچه سرقت یک اثر هنری مهم مانند نقاشــی‌ای از ون گوگ، به دلیل ضعف‌های امنیتی موزه‌ها، آسان باشد فروشش قطعا سخت‌تر اســت. طبق گزارش نیویورک تایمز، چالش‌های پیدا کردن خریدار برای آثار هنری مسروقه، ارزش این آثار در بازار سیاه را به حدود ۷ تا ۱۰ درصد از ارزش واقعی و کامل‌شان رسانده است. یعنی ارزش آثار هنری مسروقه بســیار کمتر از ارزش واقعی آن‌هاســت. این تجارت جهانی، با وجود فرصت‌های کمتر برای ســوددهی مالی و خطرات زیاد کار، اقتصاد این عرصه چشمگیر است.

آمارهای تکان‌دهنده تب سرقت در جهان

همیشه تنها انگیزه مجرمان برای سرقت آثار هنری پول نیست. گاهی سارقان به خاطر اعتبار مجرمانه دست به سرقت آثار هنری می‌زنند. روزنامه هنر لندن، این نظریه را قوی می‌داند و می‌نویسد، دزدیدن یک نقاشی معروف می‌تواند اعتبار یک دزد در یک شبکه جنایی را افزایش دهد و فرصت‌های کاری دیگری را برای آن فرد رقم بزند. حتی گاهی آثار مسروقه، ابزاری می‌شوند برای چانه‌زنی درخصوص کاهش مجازات قضایی مجرمان. خیلی از مجرمان، پس از سرقت و پیدا نشدن خریدار برای اثر هنری، به باج‌خواهی از دولت‌ها و موزه‌ها روی می‌آورند. در سال ۲۰۲۰ طبق گزارش اینترپل، ۸۵۴ هزار و ۷۴۲ اثر فرهنگی و هنری از ۷۲ کشور به سرقت رفته است. همچنین، پایگاه داده‌های بین‌المللی آثار هنری مسروقه، آثار مفقوده را بیش از ۷۰۰ هزار قلم گزارش داده است. این سرقت‌ها تنها به چند نقاشی معروف از ون گوگ یا پیکاسو محدود نمی‌شوند، بلکه اشیاء متفاوتی چون لوح‌های باستانی، فرش‌ها، مجسمه‌ها و... را هم در برمی‌گیرند. طبق آمار اینترپل، بیشــترِ جرایم هنری در آمریکا و اروپا رخ می‌دهند. اما آماری دقیق از تعداد آثار هنری مسروقه در ایران، در دسترس نیست.

جعل و تطهیر پول در شبکه‌های قاچاق

شبکه‌های زیرزمینی قاچاق آثار هنری، ساختاری پیچیده و چند لایه دارند که از سارقان محلی تا دلالان بین‌المللی و مجموعه‌داران ثروتمند را در برمی‌گیرد. این شبکه‌ها با استفاده از روش‌های مختلف از جعل اسناد تا تطهیر پول قاچاق از مرزهای غیررســمی، آثار مســروقه را در سراســر جهان جابه‌جا می‌کنند. حتی برخی از کارشناســان، در پروژه‌ای به نــام ATHAR (پروژه تحقیقات انسان‌شناسی میراث و قاچاق آثار هنری)، از کشف شبکه‌های قاچاق آثار هنری در بســتر فیس‌بوک خبر دادند. آن‌ها در این پروژه، شبکه‌ای جهانی و بیش از ۹۵ گروه فیس‌بــوک را یافتند که هم از طریق تعامل مســتقیم با خریداران و فروشندگان و هم از طریق واسطه، آثار فرهنگی و باستانی مسروقه و قاچاق را رد و بدل می‌کنند. علاوه بر این، ضعف قوانین و مقررات بین‌المللی در زمینه حفاظت از آثار فرهنگی و هنری نیز به فعالیت این شــبکه‌ها کمک می‌کند. بسیاری از کشورها فاقد قوانین کافی برای مقابله با قاچاق آثار هنری هستند و همکاری بین‌المللی در این زمینه نیز با چالش‌های زیادی روبه‌رو است.

از ضعف امنیتی متشکریم

وقتی از سرقت‌های هنری در جهان سخن می‌گوییم، نام‌هایی چون «مونالیزا» یا «جیغ» پیش از هر چیز به ذهن خطور می‌کند. ســال ۱۹۱۱، «مونالیزا»ی لئوناردو داوینچی، قلب تپنده موزه لوور پاریس، ناگهان ناپدید شد. جهان در بهت فرورفت. سال‌ها جستجو و گمانه‌زنی صورت گرفت تا اینکه سرانجام توسط یک فرد ایتالیایی در فلورانس کشف شد. این سرقت نه تنها ارزش مونالیزا را چند برابر کرد، بلکه نشان داد چگونه یک اثر هنری می‌تواند به نماد ملی و حتی انگیزه‌ای برای جرم تبدیل شود. همچنین در سال ۱۹۹۴، یکی از نسخه‌های مشهور نقاشی «جیغ»، از گالری ملی اسلو به سرقت رفت. سارقان با هوشمندی و جسارتی باورنکردنی، از کنار حسگرهای امنیتی گریختند و در ۵۰ ثانیه نقاشی را دزدیدند. آن‌ها تنها یک یادداشت طعنه‌آمیز و عجیب به جا گذاشتند: «بابت امنیت ضعیف موزه متشکریم!» این اثر پس از مدتی بازگردانده شد اما زخمی بر پیکر هنر باقی گذاشت.

گزارش اینترپل در سال ۲۰۲۰
۸۵۴/۷۴۲ اثر فرهنگی و هنری از ۷۲ کشور به سرقت رفته است

بزرگ‌ترین پرونده سرقت هنری

شاید تکان‌دهنده‌ترین پرونده سرقت از موزه ایزابلا استوارت گاردنر در سال ۱۹۹۰ و در شهر بوستونِ آمریکا باشد. سارقان که خود را به شکل پلیس جا زده بودند، در یک عملیات حساب شده، ۱۳ اثر هنری ارزشمند، از جمله شاهکارهایی از «رامبراند» و «ورمیر» را به سرقت بردند. این آثار که ارزشــی بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار دارند تا امروز ناپدید مانده‌اند. کارکنان موزه و علاقه‌مندان هنر همچنان در حسرت بازگشت آن‌ها به سر می‌برند و حتی جای این آثار را در موزه همچنان خالی نگه داشته‌اند تا آثار بازگردند. این پرونده پرسش‌های بزرگی را درباره امنیت موزه‌ها و دسترسی سارقان حرفه‌ای به این گنجینه‌ها مطرح کرد.

دزدان جعلی هم می‌دزدند

یکی از جالب‌ترین ســرقت‌ها در دنیای هنر، مربوط به نقاشــیِ «ماتیس» است. نقاشی‌ای که در ونزوئلا به سرقت رفت. اما بخشِ عجیب‌ترِ ماجرا که این پرونده را به فیلم‌های جنایی و هالیوودی نزدیک کرد، این بود که نقاشی اصلی با نقاشی‌ای جعلی جابه‌جا شده بود و تا مدت‌ها بازدیدکنندگان از نقاشی‌ای دیدن می‌کردند که جعلی بود!

ویترین ناامنی یا موزه؟

موزه‌ها به عنوان مهم‌ترین مراکز نگهداری و نمایش آثار هنری و فرهنگی، همواره در معرض خطر سرقت قرار دارند. بسیاری از موزه‌ها در سراسر جهان، به دلیل ضعف در سیستم‌های امنیتی، کمبود بودجه و نیروی انسانی، به ویترین ناامنی برای آثار هنری تبدیل شده‌اند. بخش زیادی از موزه‌های جهان، حاضر نیستند یا نمی‌توانند هزینه زیادی برای امنیت‌شان یا بیمه آثار هنری پرداخت کنند. این موضوع صرفا محدود به ایران نیست و خیلی از موزه‌های دنیا را شامل می‌شود. تا جایی که گاهی ضعف‌های امنیتی موزه‌ها، خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر به جا می‌گذارند. برای نمونه، نقاشی «گل‌های خشخاش» اثر ون گوگ که قیمتش بین ۵۰ تا ۵۵ میلیون دلار تخمین زده می‌شود، به دلیل نقص امنیتی و کار نکردن دزدگیرهای موزه محمد محمود خلیل در مصر به سرقت رفت و هم‌چنان مفقود است.

میراث ایران در تیررس مجرمان و قاچاقچیان

ســرقت آثار هنری و فرهنگی، پدیده‌ای مبتلابه در جهان است که هیچ کشوری از گزند آن مصون نمانده اســت. در حالی که در ســطح جهانی، سرقت از موزه‌ها و گالری‌های بزرگ با تدابیر امنیتی پیشرفته، خبرساز است و انگیزه‌های اصلی، انگیزه‌های اقتصادی، اعتبار کاذب در میان گروه‌های تبهــکار و جمع‌آوری آثار برای مجموعه‌های خصوصی غیرقانونی است، در ایران نیز باندهای سازمان‌یافته و شبکه‌های قاچاق با استفاده از روش‌های پیچیده‌ای از جمله حفاری‌های غیرمجاز در محوطه‌های باستانی، اشیاء ارزشمند را به یغما برده و به سرعت به خارج از کشور قاچاق می‌کنند؛ ضربه‌ای جبران‌ناپذیر که به تاریخ و هویت ملی وارد می‌شود. این فقدان، تنها از دست رفتن یک شیء نیست، بلکه بخشی از تاریخ و هویت یک ملت است که به تاراج می‌رود.

آمار سرقت آثار هنری در ایران

به دلیل نبود یک سیســتم جامع برای ثبت و گزارش ســرقت آثار فرهنگی در ایران، آمار دقیقی از میزان این ســرقت‌ها در دسترس نیست. با این حال، گزارش‌های پراکنده و اخبار منتشر شده در رسانه‌ها نشان می‌دهند که سالانه صدها اثر تاریخی و فرهنگی از موزه‌ها، محوطه‌های باستانی و مجموعه‌های شخصی به سرقت می‌رود. این در حالی اســت که در کشورهای خارجی، به ویژه در اروپا و آمریکا، افرادی که خود را کارآگاه هنری می‌نامند، به بازگشت و بازیابی آثار هنری مسروقه کمک می‌کنند. اما در ایران خبری از چنین افرادی نیست که نجات‌بخش فرهنگ باشند. حتی گاهی اولویت‌های متفاوت فرهنگی، سرقت در دنیای هنرِ ایران را به حاشیه می‌برد. البته در سایت پرونده ملی آثار هنری مسروقه (NSAF) که FBI ارائه داده، چندین اثر هنریِ مسروقه ایرانی نیز دیده می‌شود. مثلا چندین فرش ابریشمی ایرانی در این لیست وجود دارند. همچنین، نام چندین نقاشی مسروقه ایرانی نیز دیده می‌شود که کمتر نشان و خبری از آن‌ها بوده و هست. مانند نقاشی شاه‌عباس در حال بازی چوگان که بنا به اطلاعات درج شده در این سایت اثری متعلق به قرن ۱۹ است. علاوه بر این اعلام شده نقاشی‌ای از تصویر فتحعلی‌شاه به همراه مشاورش، اثر محمدحسن افشار در پرونده آثار هنری مسروقه وجود دارد.

جهان و ایران شباهت‌ها و تفاوت‌هایِ یک جنایتِ فرهنگیِ مشترک

مقایسه مستقیم آمار سرقت در دنیای هنری در دیگر کشــورها با ایران به دلیل فقدان یک سیستم ثبت و گردآوری آمار جامع و متمرکز دشوار است. با این حال، گزارش‌های پراکنده و مشاهدات میدانی نشان‌دهنده شیوع بالای سرقت و قاچاق آثار تاریخی در ایران است. این آثار شامل عتیقه‌ها، سکه‌ها، جواهرات، نسخ خطی و اشیاء فلزی می‌شود که به دلیل ارزش مادی و سهولت قاچاق، هدف اصلی سارقان و قاچاقچیان قرار می‌گیرند. قاچاق این آثار به بازارهای ســیاه خارجی، ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به میــراث فرهنگی و هویت ملی ایران وارد می‌کند. ســرقت آثار هنری و فرهنگی، جنایتی جهانی است که با انگیزه‌های ســودجویانه و توسط شبکه‌های سازمان‌یافته، به میراث بشری و هویت ملی آسیب می‌زند. اگرچه انگیزه سودجویی و روش‌های کلی سرقت در ســطح جهانی و ایران مشابه است، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. در سطح جهانی سرقت از موزه‌ها، گالری‌ها و تابلوهای نقاشی رایج‌تر بوده و آثار هنری مشهور مورد هدف قرار می‌گیرند، در حالی که در ایران حفاری‌های غیرمجاز و غارت محوطه‌های باستانی بیشتر دیده شده و عتیقه‌ها و اشیاء تاریخی مورد سرقت قرار می‌گیرند. در حالی که امکانات امنیتی و همکاری‌های بین‌المللی در سطح جهانی پیشرفته‌تر است، ایران نیازمند تقویت این جنبه‌ها برای حفاظت از میراث فرهنگی خود است.

دوران سرقت‌های پرتکرار از ایران

دوران قاجار، حجــم عظیمی از خــروج آثار تاریخــی و هنری از ایران اتفــاق افتاد. بســیاری از الواح، مهرهای ســلطنتی و اشیاء باســتانی، از طریق دیپلمات‌ها، باستان‌شناســان خارجی و حتی تجــار، از مرزهای ایــران خارج شدند و امروز در موزه‌های بزرگ جهان، از جمله لوور و موزه بریتانیا یافت می‌شوند. این خروج، نه یک سرقت مسلحانه، بلکه نوعی غارت فرهنگی سازمان‌یافته بود که اغلب تحت پوشــش کاوش‌های علمی صورت می‌گرفت. اما در دهه‌های اخیر، حفاری‌های غیرمجاز و قاچاق سازمان‌یافته، زخم‌های عمیق‌تری بر پیکر میراث ایــران وارد کرده است. کشف سفالینه‌های سیلک، مارلیک یا حتی سکه‌های باستانی در بازارهای ســیاه جهانی، نشان می‌دهد که شبکه‌های پیچیده‌ای در کارند تا ایــن گنجینه‌های ملی را از خاک ایران بیرون بکشــند. کتیبه‌های هخامنشــی که زمانی در دل تخت جمشــید شــکوه تاریــخ را فریاد می‌زدنــد، امروز گاه در حراجی‌های خارجی یافت می‌شوند. حتی در یک نمونه، لوح زرین هخامنشــی کــه مربوط به کاخ آپاداناست، توسط نصرت‌الله معتمدی، رئیس موزه ملی ایران، دزدیده و آب شد. (بنا به اعترافات خــود این شــخص) همچنین در سال‌های پیش، گزارش‌هایی مبنی بر سرقت پرتره مظفرالدین‌شاه و فروش آن در حراج کریستیز لندن مطرح شد که واکنش‌های زیادی داشت.

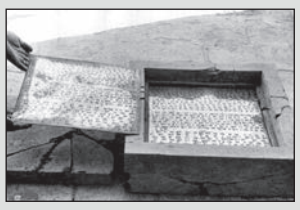

روایت دو درختی که حافظه جمعی تهران را ساخته‌اند

پایان نوستالژی سبز «کاج» و «سرو»

به گفته کارشناسان، کاشت درختان سوزنی در دنیا منسوخ شده و جای خود را به درختان پهن برگ داده است

حمیدرضا خالدی
هفت صبح

تا همین یکی دو دهه قبل، گونه‌های گیاهی تهران محدود به چند نوع درخت مانند کاج و بلوط و سرو بودند. درختانی که رخ خیابان‌ها و پارک‌ها و کوچه‌های تهران را سبز کرده بودند و سال‌های سال به عنوان ریه‌های شهر، نقش‌آفرینی می‌کردند. همان درخت‌هایی که تقریبا همه تهرانی‌ها در پارک‌ها یا پیک‌نیک‌های دورهمی، تصاویری از آنها را در قاب عکس‌هایشان به یادگار ثبت کرده‌اند. همان سروها و کاج‌هایی که از ارکان جدایی ناپذیر داستان‌های کهن و اشعار ناب ایرانی بوده‌اند. حالا اما چند سالی است که این درختان جای خودشان را اندک اندک به گونه‌های دیگری داده‌اند.

فضای سبز در طرح تفصیلی تهران

برای تهرانی با وسعت ۷۵۱ کیلومتر مربع و تراکم جمعیتی ۱۰ تا ۱۲ میلیونی، هر چقدر که درخت بکارید باز هم کم است. گرچه از حق نباید گذشت که سرانه فضای سبز طی دو دهه اخیر افزایش قابل توجهی را داشته است. براساس طرح تفصیلی تهران، سرانه فضای سبز پایتخت باید ۱۰ مترمربع باشد که این مقدار هم اینک به چیزی حدود ۱۷/۵ متر رسیده است. با این حال کارشناسان کاشت درختانی مانند تبریزی، انواع صنوبرها، چنارها و اقاقیا را که از جمله درختان پرتعداد در شهرها هستند را اشتباهی علمی می‌دانند و معتقدند که این گونه‌ها نیاز آبی بالایی دارند به همین دلیل کاشت آن‌ها در مورد شهری اشتباه است.

بلوط، ارس، داغداغان و زبان گنجشک هم از دیگر گونه‌هایی هستند که در شهرها و بخصوص حیاط منازل کشور بسیار دیده می‌شوند ولی کارشناسان مدعی‌اند که این گونه‌ها نیز بیشتر برای طبیعت شمال تهران مناسب هستند چرا که برای فضاهای کوچک خانگی این گونه‌ها به دلیل ریشه‌های بلند مناسب نیستند و حتی به ساختمان‌ها نیز آسیب وارد می‌کنند.

یک روایت از دو نوستالژی

قصه سرو و کاج اما داستان دیگری دارد. این دو درخت که به گفته شهرداری تهران بیشترین آمار درختان تهران را در دهه‌های گذشته به خود اختصاص داده نیز، از چند سال قبل به تدریج جایشان را به گونه‌های مختلفی می‌دهند که بنا برادعای برخی کارشناسان این حوزه، تعدادی از آنها مناسب حال و روز و اقلیم تهران نیستند. حال آنکه گروهی معتقدند که شاید «کاج» گونه‌ای مهاجم و ناسازگار با اقلیم ایران باشد ولی «سرو» به خاطر آب کمی که نیاز دارد و طول عمر بالایی که دارد همچنان می‌تواند جزو گیاهان اصلی کاشته شده در تهران باشند. اما چرا نسل کاج و سرو هر سال کمتر و کمتر می‌شود و جای خود را به گونه‌های دیگر می‌دهد؟ برای پاسخ به این سوال ابتدا باید نگاهی داشته باشیم به تاریخچه ورود این درختان به خیابان‌های تهران.

گیاهی از خطه کابوها

«سرو» نقره‌ای یکی از گیاهان بومی جنوب غربی آمریکای شمالی، آریزونا، جنوب غربی نیومکزیکو، جنوب کالیفرنیا، کوهستان‌های غرب تگزاس و مکزیک است. این درخت سوزنی برگ برای نخستین بار در دوره پهلوی به ایران آمد، آن هم به‌خاطر علاقه شخصی محمدرضا پهلوی به این درخت. با ورود این درخت به ایران، مدت زیادی طول نکشید که سرو نقره‌ای به درخت محبوب تهرانی‌ها بدل شد. از سویی سرو نیز مانند دیگر سوزنی‌برگان به‌خاطر مقاومتشان در برابر سرما، خشکی، آفات و رشد سریع‌ترشان مورد توجه قرار گرفتند.

با این حال این درخت پرخاطره هم چند سالی است که در لیست درختانی قرار گرفته که باید جایگزین شوند. کیا دلیری، رئیس انجمن جنگلبانی ایران سبز بودن و طول عمر بالای سرو را از مهمترین دلایل کاشت این درخت در شهرهای بزرگ کشور و به ویژه تهران می‌داند. با این حال وی معتقد است که به دلیل ریشه‌های قطور و جانبی‌اش، باعث از بین رفتن جداول و موزاییک‌ها و آسفالت می‌شود. برای همین بهتر است این درخت نیز با درختان بومی جایگزین شود.

مهاجر قفقازی

تاریخچه ورود کاج به تهران ولی کمی قدیمی‌تر از «سرو» است. براساس برخی اسناد و گفته‌های کارشناسان، این گونه احتمالا در زمان قاجار، از قفقاز به ایران آورده شده است. این درخت سوزنی شکل که جزو درختان مخروطی مهاجم محسوب می‌شوند اما چالش مهمی را برای خاک ایجاد می‌کنند به گونه‌ای که خاک اطراف خود را برای رشد گیاهان دیگر، سمی و نامناسب می‌کنند.

در مورد این گونه گیاهی نیز اختلاف نظرهای مختلفی برای کاشت در شهرهای کشور وجود دارد. با این وجود مصطفی خوشنویس عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع در خصوص اختلافاتی که در خصوص کاشت درخت کاج در طبیعت ایران در میان کارشناسان وجود دارد می‌گوید که کاشت بیش از ۵ درصد درخت کاج در میان دیگر درختان به صلاح نیست چرا که این گونه خسارت زیاد به بافت خاک می‌زدند و به زبان ساده‌تر خاک را خراب می‌کنند.

چنارستانی با رنگ و بوی جدید

علاوه بر کاج و سرو، از سال‌های گذشته گونه‌هایی مانند چنار، توت، نارون، اقاقیا و ... نیز در تهران کاشته می‌شدند؛ اما در حال حاضر برخی از آن‌ها به دلیل هوای گرم و خشک تهران از لیست گزینه‌های درختکاری شهرداری خارج شده‌اند. شینا انصاری که حالا ریاست سازمان محیط زیست کشور را برعهده دارد، زمانیکه در کسوت مدیریت کل محیط زیست و توسعه پایدار شهرداری تهران فعالیت می‌کرد، گفته بود: پایتخت پیش از این به خاطر کثرت غالب درختان چنار آن به «چنارستان» معروف بود اما این درخت به دلیل عدم تطابق با شرایط دمایی فعلی تهران، جزو گزینه‌های ما برای کاشت نیستند. آن زمان انصاری در مورد دلایل کم توجهی به کاشت «کاج»های آشنای خیابان‌های تهران نیز گفته بود؛ درخت کاج جزو گونه‌های همیشه سبز محسوب می‌شود اما بومی تهران نیست، میوه ندارد، چوب آن دیر رشد می‌کند، درمصارف صنعتی و غیر صنعتی کم بازده است، به علت سمی بودن برگ‌های سوزنی درخت کاج، پرندگان کمتر روی آن آشیانه می‌سازند، در زیر چتر آن گیاهان رشد نمی‌کنند، تولید اکسیژن برگ‌های سوزنی شکل کاج نسبت به چنار، سرو، بلوط و نارون در حد بسیار کمی است.

از دیروز تا امروز

شهروندان قدیمی و اصیل تهرانی هم هنوز با مرور خاطرات تهران سرسبز چند دهه قبل تلاش می‌کنند تا رنگ و بوی آن روزها را برای خودشان حفظ کنند. رحیم مالک یک سوپر مارکت در خیابان ویلا می‌گوید: تا وقتی که به خاطر دارم از بچگی تهران به خیابان‌های سرسبزش معروف بود. من بچه همین محل هستم. تراکم درختان در آن زمان اصلا با حالا قابل مقایسه نبود. درختان سرو چنار آنچنان قد علم کرده بودند که آدم حظ می‌کرد در این خیابان قدم بزند. رحیم به یکی از درختان جدیدی که کاشته اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: اما طی سال‌های اخیربه تدریج آن درختان زیبا جای خودشان را به درختانی داده‌اند که به نظرم اصلا مناسب تهران نیستند. چون نمی‌توانند در برابر آلودگی هوا و خشکسالی مقاومت کنند. از سویی اصلا جلوه درختان قدیمی را ندارند. برای همین هر چند سال یکبار آنها را عوض می‌کنند!

رئیس سازمان محیط زیست:

درخت کاج جزو گونه‌های همیشه سبز محسوب می‌شود اما بومی تهران نیست، میوه ندارد، چوب آن دیر رشد می‌کند، درمصارف صنعتی و غیر صنعتی کم بازده است، به علت سمی بودن برگ‌های سوزنی درخت کاج، پرندگان کمتر روی آن آشیانه می‌سازند، در زیر چتر آن گیاهان رشد نمی‌کنند، تولید اکسیژن برگ‌های سوزنی شکل کاج نسبت به چنار، سرو، بلوط و نارون در حد بسیار کمی است

دلایلی برای حذف چند گونه

دلایل ذکر شده باعث شد تا از چند سال قبل جایگزینی درختان سرو و کاج با گونه‌های گیاهی و بومی پهن برگ در دستور کار شهرداری قرار گیرد. شاید بد نباشد که بدانید بیش از ۶۰۰ گونه درختی و درختچه بومی و بومی شده در ایران وجود دارند، که به گفته کارشناسان می‌توانند گزینه‌های مناسبی برای کاشت در مناطق مختلف کشور باشند.

علی محمد مختاری، مدیرعامل سازمان فضای سبز شهرداری تهران اما مدعی است که طرح جایگزینی تدریجی درختان تهران زیر نظر یک گروه کارشناسی انجام می‌شود. وی در این زمینه به «هفت صبح» می‌گوید: بررسی‌های ما نشان می‌دهد که درختانی مانند کاج و سرو، دیگر مناسب تهران نیستند. چون یا خاک را آلوده می‌کنند یا در گرمای مردادماه احتمال آفت زدنشان زیاد است و یا سطح معابر را می‌شکافند و به آنها آسیب می‌زنند. ضمن آنکه ما الان به درختانی نیاز داریم که در تصفیه هوا بتوانند کارایی بالایی داشته باشند که این دو درخت به خاطر برگ‌های سوزنی خود نمی‌توانند در این زمینه چندان مفید باشند. وی به طور مثال به تبعات کاشت درخت کاج اشاره می‌کند و می‌گوید: این درخت در برابر مواد سمی و باران‌های اسیدی آسیب‌پذیر است ضمن آنکه آفت‌ها و آلودگی‌ها در اطراف آن جمع می‌شوند. از سویی همانطور که گفته شد؛ مانند درخت سرو برگ‌های سوزنی‌اش به خاطر آنکه رشته‌ای هستند، قابلیت تصفیه هوا و ساخت اکسیژن آن را به حداقل می‌رسانند. برای همین ما از چند سال قبل کارگروهی را تشکیل دادیم که روی گیاهان مناسب برای تهران بررسی کنند. مختاری نیز با ذکر اینکه کاشت درختان سوزنی برگ در دنیا منسوخ شده است می‌گوید ترجیح ما این است که از گیاهان بومی متناسب با شرایط آب و هوایی و اقلیمی تهران استفاده کنیم. مثلا با توجه به کمبود آب، نیاز کم گیاه آب یا مقاوم بودن آن در برابر آلودگی هوا از جمله گزینه‌هایی است که ما در انتخاب گیاهان بومی جایگزین به آنها توجه می‌کنیم.

از آزمون تا نتیجه

کارگروهی که مختاری از آن یاد می‌کند، پس از بررسی‌های کارشناسانه تصمیم می‌گیرد که از گیاهان بومی پهن برگ و مقاوم استفاده شود. بدین ترتیب طرح جایگزینی درختان بومی با سرو و کاج و صنوبر و... آغاز شد. البته در طول این سال‌ها آزمون و خطاهای بسیاری رخ داد. مثلا در برهه‌ای کاشت درخت توت در تهران در دستور کار قرار گرفت ولی به دلایل مختلفی مانند نیاز به هرس و بستر مناسب از دیاد آفت سفیدبالک در حال حاضر کاشت آنها فقط در نقاط خاصی انجام می‌شود. همین مسئله در مورد درخت نارون هم از گونه‌های دیگری بود که مدتی شهرداری

مدیرعامل سازمان فضای سبز شهرداری:

کارگروهی برای تشخیص درختان مناسب اقلیم و شرایط کاشت در تهران تشکیل شده است. توت «نر»، توت هرات، بلوط سبز، باران طلایی و زیتون از عمده‌ترین گونه‌های پهن برگی هستند که طی سال‌های گذشته در تهران و کمربند سبز حریم آن کاشته شده‌اند

در تهران آن را کشت می‌کرد ولی این گونه نیز به دلیل آفت سوسک برگ خوار، هم اینک کمتر کاشته می‌شود.

کدام درختان جایگزین می‌شوند؟

اما در طول این سال‌ها چه گونه‌هایی در کلانشهر تهران کاشته شده و می‌شود؟ به گفته مختاری توت «نر»، توت هرات، بلوط سبز، باران طلایی، زیتون و ... از عمده‌ترین گونه‌های پهن برگی هستند که طی سال‌های گذشته در تهران و کمربند سبز «حریم» آن کاشته شده‌اند. آنهم نه در حد چند هزار درخت که بیش از حدود دومیلیون اصله در سال. تازه اینها منهای درختانی است که در حریم تهران کاشته شده است. وی در مورد نحوه جایگزینی درختان منتخب بومی به جای درختان قدیمی نیز می‌گوید: این جایگزینی به دو صورت انجام می‌شود. اگر درختان سرو کاج و صنوبر و... آفت زده یا به هر دلیلی از بین رفته باشند، به جای آنها درختان بومی تعیین شده را می‌کاریم یا در فضاهای سبز و جنگل‌هایی که جدیدا تاسیس می‌شود از گیاهانی که کارشناسان توصیه می‌کنند، استفاده می‌کنیم. حتی در کمربند سبز حریم تهران که بیش از ۵۰ هزار هکتار وسعت دارد و به تازگی تکمیل شده از درختان میوه مانند توت نیز استفاده کرده‌ایم چون شرایط آنجا با داخل تهران تفاوت دارد. به هر حال هر آنچه هست، تغییر تاکتیکی نوع درختان پایتخت باعث شده تا چهره و سیمای تهران و بسیاری از کلانشهرها عوض شود. حالا درختان قامت برافراشته سرو، جای خود را به درختان بومی پهن برگ و حتی میوه داده‌اند که هنوز هم مشخص نیست مانند چند تجربه گذشته، با شرایط تهران سازگار باشند و مشکلات جدیدی را به دنبال نداشته باشند. حالا تهران مانده است و قاب‌های عکسی که بدون فتوشاپ دیگر نشانی از درختان خاطره سازش در آن دیده نمی‌شود!

گزارش

زنگ خطر در آستانه سال تحصیلی

کوله پشتی نامناسب دشمن ستون فقرات کودکان

صدمات استفاده از کوله‌های نامناسب به ویژه برای دانش‌آموزان ابتدایی جدی‌تر است

کوله پشتی مدرسه یکی از ضروری‌ترین و در عین حال پرکاربردترین ابزارهایی است که هر دانش‌آموزی برای رفتن به مدرسه به آن نیاز دارد. همراه همیشگی یک دانش‌آموز در طول سال تحصیلی. وسیله‌ای کاربردی برای حمل کتاب‌ها، دفترها، نگهداری از لوازم تحریر و... با این حال اما اگر در خرید همین وسیله کاربردی در این روزها که در آستانه سال تحصیلی جدید هستیم دقت نکنیم یا به فرزندانمان استفاده درست از آن را آموزش ندهیم، به تدریج می‌تواند صدمات جسمی و فیزیکی مختلفی را برای آینده آنها به همراه داشته باشد. همه چیز به وسیله این کوله پشتی انجام می‌شود یک متخصص طب فیزیکی و توانبخشی، اولین عارضه کوله پشتی نامناسب برای دانش‌آموزان را بروز درد کمر دانست.

نکته

کوله پشتی باید به شکلی انتخاب شود که از قوسی که در کمر وجود دارد پایین‌تر نیاید و زمانی که به طور چشمی نگاه می‌کنید از حد معمول پایین‌تر نباشد

درد گردن، کمردرد، گودی کمر، انحراف در ستون فقرات، انحناهای غیرطبیعی ستون فقرات، ایجاد فاصله میان مهره‌ها، ابتلا به دردهای عصبی، شانه‌های نامتقارن، ناهنجاری‌های قامتی و حتی در مواردی آسیب به رشته‌های عصبی از جمله آسیب‌های کوله پشتی نامناسب است

نکته

بندهایی که کوله پشتی را نگه می‌دارد نباید کمتر یا بیشتر از حد معمول باشد. کوله پشتی‌هایی که بندهای باریک دارند فشار زیادی به شانه‌های کودک وارد می‌کنند

تا همین چند سال قبل، یعنی زمانی که خبری از «کوله پشتی» نبود، این «کیف»ها بودند که جور حمل و نگهداری از وسایل بچه مدرسه‌ای‌ها را می‌کشیدند. دکتر محمدحسین‌پور غریب در مورد دلیل جایگزینی کوله‌پشتی به جای کیف‌های معروف قبلی می‌گویند: از سال‌ها قبل پزشکان هشدار می‌دادند که استفاده از کیف باعث بروز پیش زمینه مشکلات اسکلتی و عضلانی در دانش آموزان می‌شود. به همین دلیل کم کم کوله پشتی جای کیف‌های قدیمی را گرفت.

تهدیدی برای سلامت

کوله‌پشتی، اگر به صورت صحیح و مناسب انتخاب و مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند یکی از بهترین گزینه‌ها برای حمل وسایل روزانه دانش‌آموزان باشد. دلیل آنهم واضح است؛ چرا که می‌تواند بارها را متقارن نگه دارد. در عین حال، استفاده از کوله‌پشتی نامناسب و غیر ارگونومیک، نه تنها مفید نیست، بلکه می‌تواند صدمات جبران ناپذیری را به ستون فقرات کودکان و دانش‌آموزان تحمیل کند. براساس پژوهش‌های صورت گرفته، این صدمات به ویژه در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی به دلیل رشد سریع‌تر جسمی، جدی‌تر است. به زبان ساده وقتی کوله‌پشتی سنگین باشد، کودک بیش از حد پشت را قوس‌دار می‌کند و یا سر و تنه را به جلو خم می‌کند تا بتواند وزن آن را تحمل کند. به علاوه ممکن است پشت کودک بیش از حد به عقب کشیده شود و گودی کمر او زیاد شود، وضعیت بدنی او تغییر شکل می‌دهد و رو به جلو، با کمر پیچ خورده یا متمایل به یک سمت می‌شود. این فشار وارده بر روی عضلات گردن و پشت، موجب فعالیت بیش از حد ماهیچه‌ها می‌شود و آنها را خسته و منقبض می‌کند و در نتیجه گردن، شانه‌ها و پشت را نسبت به فشارها و ضربه‌های وارده آسیب‌پذیرتر می‌سازد. درد گردن، کمردرد، گودی کمر، انحراف در ستون فقرات، انحناهای غیرطبیعی ستون فقرات، ایجاد فاصله میان مهره‌ها، ابتلا به دردهای عصبی، شانه‌های نامتقارن، ناهنجاری‌های قامتی و حتی در مواردی آسیب به رشته‌های عصبی از جمله این آسیب‌ها و مشکلات به شمار می‌رود. حتی ممکن است فشار ناشی از حمل کوله‌پشتی سنگین و تغییر انحنای ستون فقرات سبب تغییر حجم تنفسی افراد شود. همچنین کشیدگی حاصل از حمل کوله پشتی، باعث آسیب‌های گذرا و یا حتی ماندگاری در ریشه‌های عصبی شانه و دست‌ها و همچنین ریشه‌های عصبی گردن می‌شود.

چند توصیه پزشکی

محمدتقی حلی‌ساز، استاد طب فیزیکی و توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی توصیه‌هایی برای استفاده از کوله‌پشتی برای دانش‌آموزان و والدین آنها دارد. مثلا اینکه کوله‌پشتی باید به شکلی انتخاب شود که از قوسی که در کمر وجود دارد پایین‌تر نیاید و زمانی که به طور چشمی نگاه می‌کنید از حد معمول پایین‌تر نباشد. همچنین به گفته این متخصص کوله‌پشتی استاندارد مشخصه‌هایی دارد که باید هنگام خرید مورد توجه باشد، به طور مثال بندهایی که کوله پشتی را نگه می‌دارد نباید کمتر یا بیشتر از حد معمول باشد. کوله‌پشتی‌هایی که بندهای باریک دارند فشار زیادی به شانه‌های کودک وارد می‌کنند، بند استاندارد کوله‌پشتی باید بین پنج تا هفت سانتی‌متر باشد و بهتر است بندی در کمر داشته باشد تا روی کمر کودک قفل شود تا حین راه رفتن مدام به کمر کودک ضربه وارد نکند. حتما شما هم دانش‌آموزان بسیاری را دیده‌اید که کوله خود را فقط با یک بند آن روی دوش می‌اندازند و به مدرسه می‌روند. با این وجود حلی‌ساز این رویه را به شدت نفی می‌کند و می‌گوید: استفاده یک بند از کوله‌پشتی، به وارد شدن فشار به یک طرف بدن منجر می‌شود. برخی از کوله‌پشتی‌ها بندهای تکی دارند و یکطرفه پوشیده می‌شوند، این نکته هم می‌تواند به شانه‌ها آسیب وارد کند. وی همچنین مانند تمامی همکارانش تاکید می‌کند که دردهای کمری در افرادی که زمینه‌های ژنتیکی دارند، با استفاده از کوله‌پشتی نامناسب تشدید می‌شود، ضمن آنکه احساس خستگی در مدرسه و پس از بازگشت به منزل از دیگر مشکلات استفاده از کوله‌پشتی نامناسب و با وزن بالاست.

فهرستی برای تغییر نسل

آقای قلعه‌نویی به این اسامی دقت کنید!

بازی‌های تیم امید ایران همه ما را امیدوار کرد که چشمه جوشان استعداد در فوتبال این مملکت هنوز خشک نشده است

گروه ورزش | تیم ملی ایران پیرترین تیم جام‌جهانی ۲۰۲۲ بود و این امیدواری به وجود آمد که با رفتن کارلوس کی‌روش و آمدن امیر قلعه‌نویی شاهد جوانگرایی و تغییر نسل باشیم اما چنین نشد.
ما با همان تیم مسن کارلوس کی‌روش ادامه دادیم و امیر قلعه‌نویی سرمربی جدید تیم ملی هم وعده داد:« هر لیستی که اعلام می‌شود، انتقادی درون آن هست. هیچ لیستی کامل نیست. در این ۴۰ سالی که در فوتبال هستیم، هر لیستی بیرون می‌آمد، نظرات متفاوت بود. طبق قولی که دادیم با آن شیب ملایم که قرار است تغییر نسل بدهیم نتیجه نیز برای‌مان مهم است. همه اینها را با روشی که در نظر گرفتیم پیش می‌بریم و با کارشناسان عزیزی که صحبت می‌کنیم، به روش ما کمک می‌کنند.»
هفته گذشته تیم فوتبال امید ایران در سومین بازی‌اش در مرحله مقدماتی زیر ۲۳سال آسیا به مصاف امارات میزبان مسابقات رفت و با نتیجه ۳ بر ۲ پیروز شد و جواز حضور در جام ملت‌های زیر ۲۳ سال در عربستان را کسب کرد.
از صعود تیم امید روانخواه که بگذریم، توجه امیر قلعه‌نویی را به لیست و اسامی زیر جلب می‌کنیم؛

دروازه‌بان؛ محمد خلیفه و آرشا شکوری
هرچند پیام نیازمند دستکش طلایی تورنمنت کافا را کسب کرد اما این انتخاب بیشتر مهمان‌نوازی میزبان برای ایران مهمان بود و نه گلری شماره یک ایران!
در غیاب علیرضا بیرانوند محروم، پیام نیازمند ۲ گل از تاجیکستان و یک گل از افغانستان و یکی هم از ازبکستان خورد و امیدی را زنده نکرد.
این درحالی است که تیم ملی امید دو گلر فوق‌العاده با استعداد دارد؛ محمد خلیفه سنگربان تیم آلومینیوم اراک که بهزاد غلامپور او را شماره یک ایران در آینده نزدیک می‌داند. آرشا شکوری هم که در قطر بازی می‌کند به گواه کارشناسان جدیدترین پدیده دروازه‌بانی در ایران است. امیر قلعه‌نویی البته هر دو را به تیم ملی دعوت کرده اما اطمینان داشته باشد اگر به خلیفه یا شکوری بازی دهد، عملکردی بدتر از پیام نیازمند به جای نخواهند گذاشت!

دفاع راست؛ سهیل صحرایی و یعقوب براجعه
سهیل صحرایی در ال کلاسیکوی اخیر فوتبال ایران، میلاد زکی‌پور و بازیکنان باتجربه سپاهان را کلافه کرد. او نشان داد پدیده جدید فوتبال ایران است اما خیلی زود چشم خورد و در بازی تیم ملی امید مصدوم شد! یعقوب براجعه هم به تیم ملی بزرگسالان دعوت شده و گرچه حاشیه ریزی هم در تمرینات پرسپولیس داشت اما در استعداد او شکی نیست. این دو به ویژه سهیل صحرایی اگر بهتر از آریا یوسفی نباشند، بدتر از این بازیکن هم نیستند. فراموش نباید کرد رامین رضاییان هم در جام‌جهانی، ۳۶ ساله خواهد شد.

دفاع میانی؛ محمدمهدی زارع و دانیال ایری
به جرأت می‌توان گفت «اگر محمدمهدی زارع اسیر دست ایجنت بانفوذ فوتبال ایران نمی‌شد، الان در استقلال یا پرسپولیس، فیکس بازی می‌کرد.» پدیده فصل گذشته گل‌گهر را هم استقلال می‌خواست و هم پرسپولیس، ضمن آنکه دانیال ایری مدافع جوان تیم ملی امید و ملوان انزلی، در لیست اسماعیل کارتال بود. این دو جوان شایسته می‌توانند سال‌ها مرکز خط دفاع تیم ملی بزرگسالان ایران را بیمه کنند؛ مدافعانی که هم روی هوا قوی هستند و هم از سرعت خوبی برخوردارند.

هافبک وسط: امیرمحمد رزاقی‌نیا
در تیم استقلال یک جوان ۱۹ ساله بازی می‌کند که سبک بازی‌اش شباهت زیادی به کریم باقری دارد.
از قضا امیرمحمد رزاقی‌نیا با پیراهن شماره ۶ در تیم ملی امید بازی می‌کند. او یک هافبک بازیساز و شوت‌زن است که قدرت سرزنی بالایی دارد و از همه مهمتر گلزن است.
هرچند امیر قلعه‌نویی این جوان را به تیم ملی بزرگسالان دعوت کرده اما از اعتماد به امیرمحمد رزاقی‌نیا ضرر نخواهد کرد.
اسم امیرمحمد رزاقی‌نیا را خوب به خاطر بسپارید اما قبل از آن یک بار دیگر بازی تیم‌های ملی امید ایران و امید امارات را تماشا کنید تا تفاوت بودن و نبودن این هافبک جوان در زمین را متوجه شوید!

هافبک تهاجمی؛ محمدجواد حسین‌نژاد
بعد از خداحافظی مسعود شجاعی از تیم ملی، هنوز هافبکی تهاجمی با تکنیک و هوش بالا برای تیم بزرگسالان پیدا نکردیم.
شماره ۱۰ و کاپیتان فعلی تیم ملی امید هم به همان دردی مبتلا شده که گریبان محمدمهدی زارع را گرفت. ایجنت بانفوذ حسین‌نژاد پدیده سپاهان اصفهان را با پیشنهاد اروپایی هوای کرد اما او را به لیگ روسیه برد تا در آینده با چند برابر قیمت او را به تیم‌های داخلی بفروشد.
این جوان خوش‌تکنیک و چپ پای جویباری که سابقه دعوت و بازی در تیم ملی بزرگسالان را در کارنامه دارد، به شرط اعتماد امیر قلعه‌نویی می‌تواند نقش مهمی در خط میانی تیم بزرگسالان بازی کند.
محمدجواد حسین‌نژاد یکی از بهترین استعدادهای چند سال اخیر فوتبال ایران است که می‌تواند به نوعی نماد تغییر نسل در تیم ملی بزرگسالان باشد.

وینگر راست؛ محمدحسین صادقی
جوان مورد علاقه اسماعیل کارتال قبل از امیر قلعه‌نویی به نگاه مهربان‌تر وحید هاشمیان نیاز دارد.
محمدحسین صادقی دریبل‌زن‌ترین جوان فعلی فوتبال ایران است و گواه این ادعا گلی بود که او در فصل گذشته به استقلال تهران زد.
گل مارادونایی صادقی نشان‌دهنده استعداد ناب یک فوتبالیست خیابانی است که می‌تواند یک ستاره جدید حتی برای فوتبال آسیا باشد.
اگر فوتبال ملی ایران کمی، فقط کمی به محمدحسین صادقی توجه کند دیگر حسرت تکنیک عباس بیک فیض‌الله‌یف ستاره تکنیکی و دریبل‌زن تیم ملی ازبکستان را نمی‌خوریم.
صادقی حداقل می‌تواند یک مهدی قایدی دیگر در فوتبال ایران باشد.

وینگر چپ؛ یادگار رستمی
یادگار رستمی که در آکادمی کیا چهره شد و به پسر مهدوی کیا معروف بود، بعد از تجربه لژیونر شدن و حضور در فوتبال لهستان به ایران بازگشت و فجرسپاسی شیراز، صدرنشین لیگ آزادگان را برای ادامه فوتبال انتخاب کرد تا هم خدمت سربازی خود را سپری کند و در آینده مشکلی از این بابت نداشته باشد و هم با پیروز قربانی صعود به لیگ‌برتر را هم به کارنامه خود بیفزاید.
این پسر اهل مریوان کردستان هم از آن استعدادهای نابی است که به قول مهدی مهدوی کیا اگر در آلمان متولد می‌شد یا ستاره بایرن مونیخ می‌شد یا بوروسیا دورتموند!

مهاجم نوک؛ سعید سحرخیزان و کسری طاهری
سعید دقیقی سرمربی پیکان معتقد است سبک بازی کسری طاهری با نوجوانی و جوانی سردار آزمون مو نمی‌زند!
شاید کمی اغراق‌آمیز به نظر برسد اما کسری طاهری بهترین گلزن لیگ‌برتر و تیم ملی امید است که روی زمین و هوا عالی کار می‌کند. این جوان ۱۹ ساله می‌تواند سردار آزمون جدید فوتبال ایران باشد.
سعید سحرخیزان هم نیازی به معرفی ندارد؛ جوان اول تیم استقلال که مثل مهدی طارمی گام‌های بلند و سریعی دارد و چارچوب دروازه را هم خوب می‌شناسد.
کم نیستند کسانی که معتقدند بعد از زوج علی دایی و خداداد عزیزی، زوج سردار آزمون و مهدی طارمی بهترین در تاریخ فوتبال ایران بوده‌اند.
کسری طاهری و سعید سحرخیزان این امیدواری را به وجود آورده‌اند که فوتبال ایران یک زوج زهردار پیدا کرده و باید قدر هر دو را دانست.

حاشیه

رامین رضاییان در دیدار با ازبکستان ثابت کرد هنوز دوداز کنده بلند می‌شود

وقتی تجربه بر نیروی جوانی غلبه می‌کند

گروه ورزش | امیر قلعه‌نویی که مدت‌ها از رامین رضاییان برای حضور در تیم ملی دعوت به عمل نیاورده بود، این بازیکن باتجربه را برای تورنمنت کافا دعوت کرد.
سرمربی تیم ملی چندی پیش در خصوص دعوت نکردن رامین رضاییان به تیم ملی گفته بود:« با این حال اگر نیاز باشد، قطعا رامین رضاییان می‌تواند به ما کمک کند و با افکار تاکتیکی تیم هماهنگ شود. چون با سیستم چهار دفاع بازی می‌کنیم، به دنبال مدافعان کناری هستیم که هم در فاز دفاعی و هم در حمله تأثیرگذار باشند اما اگر سبک بازی او اینطور باشد به کارمان نمی‌آید.»
این درحالی بود که پیش‌تر گفته می‌شد دلیل اصلی دعوت نشدن ستاره استقلال به تیم ملی، عملکرد ضعیف دفاعی او برخلاف مهارت در فاز تهاجمی است.
با این وجود رامین رضاییان به اعتراف خودش از ریکاردو ساپینتو درخواست کرد در تیم استقلال دفاع راست بازی کند تا شانس حضورش در جام‌جهانی ۲۰۲۶ را افزایش دهد.
سرمربی پرتغالی هم روی ستاره محبوب خود را زمین نینداخت و بازیکن شماره ۱۰ خود را مدافع راست فیکس تیمش کرد!
رامین رضاییان به تیم ملی دعوت شد و در بازی با هندوستان در ترکیب اصلی قرار گرفت و بازوبند کاپیتانی را هم بر بازو بست.
در دیدار با تاجیکستان اما امیر قلعه‌نویی تصمیم گرفت آریا یوسفی را در ترکیب اصلی بگذارد و نیمه دوم رامین رضاییان را به زمین بفرستد. این تعویض جواب نداد و تیم ملی برد دو برصفر را با تساوی ۲-۲ تاخت زد تا سرمربی تیم ایران برای فینال کافا تصمیم جدیدی بگیرد.
رامین رضاییان درحالی در ۳۵ سالگی نیمکت‌نشین آریا یوسفی جوان‌تر شد که تصورش را هم نمی‌کرد، مدافع راست مورد علاقه امیر قلعه‌نویی در دقیقه دو اخراج شود!
در حالی که هنوز بازی شکل نگرفته بود و دو تیم در حال محک زدن یکدیگر بودند، برخورد بین آریا یوسفی مدافع راست تیم ملی ایران و عباس‌بک فیض‌الله‌یف باعث شد تا داور تاجیکستانی بعد از مرور صحنه، داور وسط را برای دیدن این صحنه فرا بخواند و به این شکل به او اعلام کند که این صحنه می‌تواند با کارت قرمز و اخراج بازیکن ایران همراه شود.
دقایق کوتاهی سامان قدوس به سمت راست خط دفاعی رفت اما در دقیقه ۱۶ رامین رضاییان جانشین امیرحسین حسین‌زاده شد و عملکرد قابل قبولی به ویژه در امور دفاعی به جای گذاشت.
امروز از لزوم تغییر نسل و توجه امیر قلعه‌نویی به استعدادهای جوان ایرانی نوشتیم در حالی که نباید فراموش کرد بازی دادن به جوان تاوان هم دارد و باید تاوان آن را پس داد. به نظر می‌رسد آریا یوسفی جوان با این اخراج راه رامین رضاییان برای سفر به جام‌جهانی ۲۰۲۶ را هموار و بازیکنی پا به سن گذاشته (بخوانید رامین رضاییان) را به احتمال فراوان به این رقابت‌ها بفرستد!

حوادث

سرنوشت مبهم عامل تجاوز به ۹ زن تهرانی

شیطان لویزان پای میز محاکمه می‌رود

فاطمه شیخ علیزاده
دبیر حوادث

فرهاد، مردی که در افکار عمومی با عنوان «شیطان لویزان» شناخته می‌شود، پس از نقض حکم اعدام در دیوان عالی کشور، بار دیگر برابر قضات دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت. جلسه دوم محاکمه او با حضور چند نفر از قربانیان برگزار شد؛ جلسه‌ای سنگین و پرتنش که بار دیگر زخم‌های کهنه شاکیان را تازه کرد این در حالی بود که متهم همچنان بر بی‌گناهی خود اصرار داشت.

شروع ماجرا
پرونده فرهاد به سال ۱۳۹۹ بازمی‌گردد. او با پرسه‌زنی در پارک‌ها و مسیرهای پرتردد شرق و شمال‌شرق تهران، به‌ویژه حوالی پارک‌های لویزان، قربانیان خود را شناسایی می‌کرد. شیوه کار او ساده اما هولناک بود. به بهانه پرسیدن ساعت یا درخواست کمک، به زنان و دختران نزدیک می‌شد و در فرصتی مناسب با تهدید چاقو آنها را به مکان‌های خلوت می‌کشاند و با فشردن گلوی آنها تا سر حد بیهوشی نقشه سیاه خود را اجرا می‌کرد.

دستگیری و نخستین محاکمه
مأموران اداره آگاهی پس از طرح چندین شکایت از سوی زنان، تحقیقات گسترده‌ای آغاز کردند. سرانجام در سال ۱۴۰۱فرهاد دستگیر شد. او در بازجویی‌ها بارها اتهام‌هایش را انکار کرد اما قربانیان در مواجهه حضوری او را شناسایی کردند. با تکمیل تحقیقات و ثبت شکایت ۹ زن، پرونده به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و قاضی منافی‌آذر، رئیس دادگاه، پس از شنیدن دفاعیات وکلای متهم، او را به اعدام محکوم کرد. این حکم اما در دیوان عالی کشور نقض شد تا بررسی‌های بیشتری درباره ادله و مستندات پرونده صورت گیرد.

محاکمه دوباره
در ادامه روند قضایی، جلسه دوم محاکمه فرهاد در حضور سه نفر از شاکیان و وکیل یکی دیگر از قربانیان برگزار شد که وکیل برای اثبات مدعیات خود به گزارش دی.ان.ای سازمان پزشکی قانونی استناد کرد. او خطاب به قضات خواستار اجرای اشد مجازات برای متهم شد.

روایت شاکیان
شاکی اول در جایگاه قرار گرفت و با بغضی آشکار گفت: «دو سال پیش، زمانی که هنوز دانش‌آموز بودم، در مسیر مدرسه به دام این مرد افتادم. با تهدید چاقو مرا به مکانی خلوت کشاند و آزار داد. حتی یک تار موی او را به پلیس تحویل دادم، اما پاسخی دریافت نکردم. هنوز آثار آن حادثه بر روح و روانم باقی است.»
شاکی دوم که تجربه تلخ مشابهی داشت، با صدایی لرزان ادامه داد: «در پارک مشغول ورزش بودم. ناگهان او به من حمله کرد. گلوی مرا فشرد تا بیهوش شدم. وقتی به هوش آمدم، متوجه شدم آزار دیده‌ام. در چهار سال گذشته بارها پیگیری کرده‌ام تا این مرد مجازات شود، اما هنوز به نتیجه نرسیده‌ایم.» شاکی سوم نیز با صراحت گفت: «در مسیر خانه به سمت محل کار، زیر یک پل عابر، او به سراغم آمد. با وجود التماس‌های من، بی‌اعتنا آزارم داد. هیچ‌کس در آن لحظه نبود تا کمکم کند. از دادگاه می‌خواهم هرچه زودتر به این ماجرا پایان دهد و عدالت اجرا شود.»

دفاعیات متهم
پس از سخنان شاکیان، نوبت به فرهاد رسید. او که چهره‌ای آرام اما مضطرب داشت، بار دیگر اتهام‌ها را رد کرد و گفت: «من هیچ‌یک از این زنان را نمی‌شناسم. بی‌گناه هستم و نمی‌دانم چرا بازداشت شده‌ام. من یک کارگر ساده‌ام. تنها خطایم این بود که به‌طور غیرقانونی وارد ایران شدم و دروغ گفتم خانواده‌ام در هرات زندگی می‌کنند. از ترس، واقعیت را پنهان کردم چون بیم داشتم خانواده‌ام مرا طرد کنند. همسر و دو فرزندم غیر از من پناهی ندارند.»
او با تأکید بر اینکه مدارک ارائه شده علیه او کافی نیست، افزود: «تمام زندگی‌ام در کارگری گذشته است. من نه توانایی مالی داشتم و نه شرایطی که بتوانم چنین کارهایی انجام دهم. همه این ادعاها اشتباه است.»

رأی دادگاه و نظر دیوان عالی
پس از استماع اظهارات شاکیان، دفاعیات متهم و بررسی مدارک موجود، قضات دادگاه جلسه را تجدید کردند تا نتیجه بررسی نمونه‌های کشف‌شده از صحنه‌های جرم مشخص شود. سرانجام، دادگاه فرهاد را به اتهام تجاوز به اعدام محکوم کرد. همچنین در چند فقره از شکایات که رابطه نامشروع اثبات شد، او به تحمل حبس و تحمل شلاق محکوم شد.
رأی صادره بار دیگر در دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار گرفت. قضات دیوان بخشی از حکم مرتبط با رابطه نامشروع را عینا تأیید کردند اما در خصوص اتهام تجاوز، تحقیقات را ناکافی دانسته و پرونده را برای رفع نواقص و بررسی دوباره به شعبه هم‌عرض ارجاع دادند.

پایان باز اما سنگین
پرونده «شیطان لویزان» همچنان در جریان است. هرچند حکم‌های سنگینی علیه متهم صادر شده، اما اصرار او بر بی‌گناهی و نقص تحقیقات در بخش‌هایی از پرونده، روند رسیدگی را طولانی‌تر کرده است. قربانیان اما همچنان در انتظار اجرای عدالت‌اند؛ عدالت برای زخم‌هایی که سال‌هاست بر جسم و روحشان سنگینی می‌کند.

پلیس و معمای جنایت در معامله‌ای مشکوک

مرد پاکستانی، جنایت مرموز و ۲۰۰ کیلو مخدر

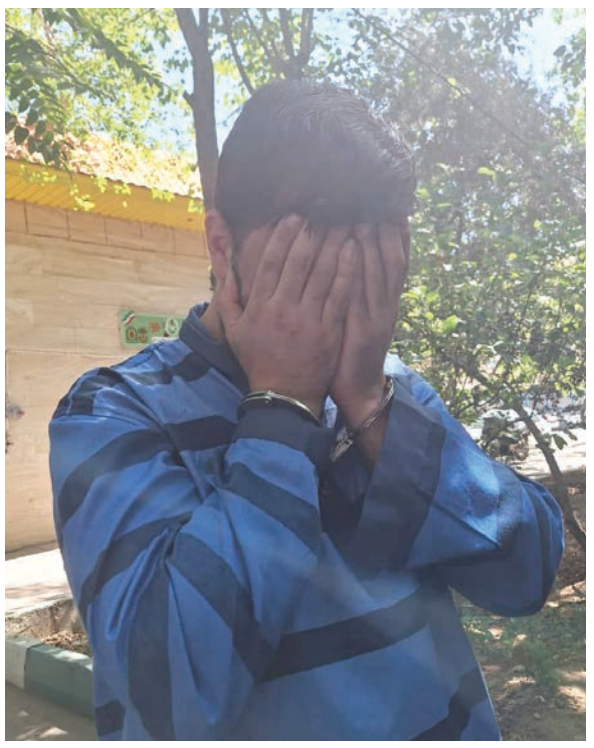

تابستان سال ۱۳۹۹، مأموران پلیس پردیس با گزارش مفقود شدن یک مرد جوان به نام پژمان روبه‌رو شدند. پسرعموی او روز قبل از کشف جسد پژمان، غیبت ناگهانی وی را به پلیس اطلاع داده بود. روز بعد، جسد پژمان در سه راه آدران پیدا شد؛ مقتول با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود. تیم جنایی بلافاصله تحقیقات برای شناسایی عامل یا عوامل جنایت را آغاز کرد و جسد با دستور قضایی برای انجام معاینات و آزمایش‌های قانونی به سردخانه پزشکی قانونی منتقل شد.

راز فقدان
پسرعموی پژمان در نخستین اظهارات خود به مأموران گفت که روز پیش از گم شدن او، پژمان تماس گرفته و از قصد خود برای انجام معامله‌ای با فردی به نام بهروز خبر داده است. به گفته پسرعموی پژمان، قرار بود پژمان ۲۰۰ کیلوگرم مواد مخدر از بهروز خریداری کند و برای اطمینان، لوکیشن محل قرار را برای او فرستاده بود. او ادامه داد: «پژمان به من گفت اگر خبری از او نشد، سراغش بروم. مشخص بود که در این معامله احساس خطر می‌کرد، اما با این حال به محل قرار رفت. در همان زمان، تلفن همراه او خاموش شد و هیچ تماسی برقرار نشد.»

ردیابی و شناسایی متهمان
اطلاعات پسرعموی مقتول سرآغاز ردیابی مأموران شد. بررسی‌ها نشان داد بهروز ساکن باغی در حوالی شهریار بوده و حدود ده روز پیش از موعد قرار، اثاثیه خود را بار کامیون کرده و به شهر سرخس مهاجرت کرده است. دوست بهروز، به نام نادر، نیز که قرار بود در ملاقات حاضر باشد، با شماره‌ای که پژمان در اختیار پسرعمویش گذاشته بود، شناسایی شد. نادر در تحقیقات اولیه اعلام کرد از جزییات قرار ملاقات اطلاعی نداشته و تنها وظیفه‌اش انجام خرید زمین و کمباین برای بهروز بوده است. او افزود که پس از منصرف شدن بهروز از خرید، شنیده بهروز کسی را کشته، اما جزئیات را نمی‌دانسته است. تحقیقات بعدی مشخص کرد چند روز پیش از قتل، پژمان با لهجه بلوچی به فردی پیام داده و نوشته بود که زیرخاکی‌های ارزشمند او را یافته و آماده تحویل است. در پاسخ، پیام تهدیدآمیزی دریافت کرده بود که اگر کالاها را تحویل ندهد، پیامدهای جدی در انتظارش خواهد بود.

بازجویی متهم
پس از شناسایی بهروز، مشخص شد او در جریان یک درگیری مسلحانه در مشهد بازداشت شده و به اتهام حمل سلاح در زندان مشهد به سر می‌برد. در بازجویی اولیه، او هرگونه ارتباط با قتل پژمان را انکار کرد و گفت که از مدت‌ها قبل نگهبان باغی در شهریار بوده و مدتی پیش برای تسویه حساب و انتقال اثاثیه به سرخس رفته است. او مدعی شد که پژمان را در مسیر جابه‌جایی اثاثیه با ماشینش همراهی کرده و او را در میدان آزادی پیاده کرده و از آن زمان دیگر خبری از او ندارد.
تحقیقات بیشتر نشان داد که ادعای او نادرست بوده و بهروز پس از مراجعه به شهریار هیچ تسویه حسابی انجام نداده است. بررسی‌های فنی نیز نشان داد موبایل او در حوالی محل کشف جسد آنتن‌دهی داشته است. این تناقضات باعث شد تا با جمع‌بندی شواهد و مدارک، کیفرخواست به اتهام مباشرت در قتل عمدی برای او صادر شود.

اولین محاکمه
در نخستین جلسه دادگاه، اولیای دم خواستار قصاص شدند. بهروز در جایگاه ایستاد و بار دیگر اتهامات قتل را رد کرد. او در پاسخ به سوالات قضات گفت: «از وقتی که دستگیر شدم، در تمام مراحل بازجویی تأکید کردم نقشی در این ماجرا نداشتم. هنوز هم همین را می‌گویم.»
وقتی قاضی پرسید تلفن همراه او در نزدیکی محل کشف جسد آنتن داشته، او پاسخ داد: «آن روز برای انجام کاری از شهرستان به شهریار آمده بودم. این دلیل نمی‌شود که قاتل باشم.» درباره وضعیت مالی‌اش و خرید خودرو اپتیما، او گفت: «کار کردم؛ از خرید و فروش ماشین و موتور تا دلالی. این ثروت حاصل تلاش شخصی‌ام است و از مواد مخدر همراه مقتول هیچ اطلاعی نداشتم.»

ادعاهای متهم و دفاعیات
متهم همچنین درباره پیامک تهدیدآمیز مقتول گفت: «نمی‌دانم چرا نام من را در پیام برای پسرعمویش آورده است.» وکلا و نماینده متهم بر تبرئه او تأکید کردند و افزودند که مقتول با فردی دیگر اختلاف داشته و ممکن است دیگران نیز در قتل دست داشته باشند.
قضات پس از شنیدن دفاعیات وارد شور شدند و رأی اولیه تبرئه متهم صادر شد. متهم تا تعیین تکلیف نهایی در دیوان عالی به قید وثیقه آزاد شد.
در جلسه مجدد وکیل اولیای دم بار دیگر درخواست قصاص را مطرح کرد و اظهار داشت: «شاهدان متعددی تأیید کرده‌اند که بین متهم و مقتول اختلاف و درگیری وجود داشته و پس از قتل ناگهانی، متهم ثروتمند شده، در حالی که منشأ این ثروت روشن نیست.» بهروز در دفاع از خود همان اظهارات قبلی را تکرار کرد.
موکل خود گفت: «تحقیقات نشان می‌دهد که مقتول با یک فرد پاکستانی به خاطر معامله مخدر اختلاف داشته. او همچنین با افراد زیاد دیگری اختلاف حساب و دشمنی داشته که هر کدام می‌توانند در جنایت نقش داشته باشند.»
قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم و وکیل او برای صدور رأی وارد شور شدند.

هفت صبح

صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر مسئول: امیر تاجیک
زیرنظر: شورای سردبیری
مدیر هنری: وحید غفاری
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی
دبیر صفحه آخر: مرتضی کلیلی
تحریریه ورزش: مهدی هژبری و مهدی یکتا
ویراستار: فرزانه اختیاری

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح: ۰۴:۲۱ | طلوع آفتاب: ۰۵:۴۶ | اذان ظهر: ۱۱:۵۹ | غروب آفتاب: ۱۸:۱۲ | اذان مغرب: ۱۸:۳۱

پروفایل

این چه کاری بود خانم فرشته حسینی؟!

اندر احوالات همسر نوید محمدزاده و جنجالی که با نوع لباس‌هایش در تورنتو رقم زد

مرتضی کلیلی
دبیر صفحه آخر

پروفایل امروزمان متعلق است به خانم فرشته حسینی؛ زندگی فرشته یا سکینه حسینی در ۲۸سالگی این روزها با حاشیه و جنجال گره خورده؛ چند روزی بود که عکس‌های خانم فرشته حسینی در تورنتو با آن نوع پوشش منحصر به‌فرد خود، میان کاربران در فضای مجازی دست به دست می‌شد؛ صبر کردیم و جلوی خودمان را گرفتیم و چیزی ننوشتیم تا این هیاهوی برای هیچ، کمی فروکش کند و بعد به آن بپردازیم. همین اول کار بگوییم که همیشه با نوع لباس پوشیدن خانم فرشته در هفت‌صبح مشکل داشتیم و دو تیتر معروف «باز هم لباس‌های حرص‌درآر فرشته حسینی» و «ژست خاص و حرص‌درآر فرشته حسینی» را هم برای ایشان در قاب امروزمان در هفت‌صبح انتخاب و عکس‌های با نوع پوشش متفاوتش را منتشر کرده بودیم؛ لباس‌هایی از جنس نایلون یا پلاستیک یا به قول دوستان کیسه... اما می‌شود در مذمت نوع لباس‌هایی که در زندگی روزمره یا مثلا برای عکاسی و مدلینگ انتخاب می‌کند هزاران کلمه اینجا نوشت. کاری نداریم... فرشته‌ای که جلوی دوربین شخصیتی یاغی و طغیانگر را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند؛ او به شکلی آگاهانه ژست‌ها و پوشش‌های خاصی را جلوی دوربین‌های عکاسی انتخاب می‌کند تا همین وجه یاغی بودن و عدم سازش او را بیشتر نمایش دهد.

حاشیه‌های بی‌شمار خانم فرشته

حساب حاشیه‌های خانم فرشته از دست‌مان در رفته؛ فقط چند مورد را فهرست‌وار با هم مرور می‌کنیم؛ بیست‌وسومین جشنواره فیلم سارایوو را به خاطر بیاورید؛ ژست نامتعارف این بازیگر که سیگار به دست داشت، با واکنش‌های انتقادی زیادی روبه‌رو شد. بوسه جنجالی او و همسرش آقای نوید روی فرش قرمز کن در جلسه مطبوعاتی فیلم برادران لیلا را به یاد بیاورید و البته آن لباس خانم فرشته را... یا استوری جنجالی‌اش بعد از دستگیری پدرش و در نهایت آزادی او... به واکنش تند همسرش نوید و آن لایو اینستاگرامی هم در این باره کاری نداریم. یا در جشنواره فیلم کارلووی واری جمهوری چک در مصاحبه‌ای به زبان انگلیسی نسبت به اخراج افغان‌ها توسط دولت ایران واکنش نشان داد.

فرشته در جلد سوپرمدل دنیای مجلات مد

بگذریم... این روزها هم خانم حسینی افغانی‌الاصل و همسر محترم آقای نوید محمدزاده البته اگر ناراحت نمی‌شوند، باز هم در کانون توجه قرار گرفته‌اند؛ البته از نوع حاشیه! فرشته که با استایل‌های پرتحرک و سرزنده! در ایونت‌ها رویت می‌شود. او با حضور در جشنواره درجه چندم فیلم تورنتو، این بار هم با نوع پوشش و لباس‌هایی که انتخاب کرده بود، جنجال‌ساز شد. با عکس‌هایی در خلال این جشنواره و فتوشوت‌های خیابانی که در جلد یک سوپرمدل دنیای مجلات مد فرو رفته بود. با لباس‌های بدن‌نما از نوع تاپ تنگ و یقه‌باز که دیگر نمی‌توانم وارد جزئیات شوم و کراواتی که فقط برای پوشش بخشی از بدن عریان او انتخاب شده بود و کلاه پکول افغانی برسر گذاشته بود تا هم بگوید حجاب(!) دارد و هم اصالت افغانی‌اش را حفظ کرده باشد و به یاد رنج زنان هموطنش باشد و هم بتواند همچنان بدون مشکل و به لطف روابط همسرشان در پروژه‌های سینمایی بازی کنند و پول‌های آنچنانی به جیب بزنند. یا آن شلوارک و لباس گیپوری که در اکران فیلم «میان رویا و امید» برتن کرده بود و الی ماشاءالله...

قفل این مرحله برای نسوان بازیگر وطنی

می‌دانید ایراد کار کجاست؟ نوع لباسی که خانم فرشته در تورنتو و عکاسی‌های خیابانی‌اش انتخاب کرده بود، برای برخی بازیگران نسبتا بی‌حجاب وطنی هنوز قفل است! بعضی از بازیگرانی که فقط برای عکس‌هایی مثلا با یک کلاه اسپورت، بعضا تذکر گرفته‌اند. همین دیگر؛ ادامه بدهید و موفق باشید خانم فرشته...

فرشته با حضور در جشنواره درجه چندم فیلم تورنتو، این بار هم با نوع پوشش و لباس‌هایی که انتخاب کرده بود، جنجال‌ساز شد. با عکس‌هایی در خلال این جشنواره و فتوشوت‌های خیابانی که در جلد یک سوپرمدل دنیای مجلات مد فرو رفته بود

قاب / از رویدادهای امروز تا مشاهیر تاریخ معاصر و عکس‌های خاطره‌انگیز شهری و خودرویی و فوتبالی و...

قاب امروز ۱

عکسی از نمایش «نیمه تاریک ماه»؛ حکایت چند زوج جوان که برای شام دور هم جمع می‌شوند. همه آنها تا شب مهمانی، تصورشان بر این است که زندگی کامل و عاشقانه‌ای دارند اما..

عکس: رضا جاویدی / تیوال

قاب امروز ۲

گلایه‌های ادامه‌دار عدنان عفراویان در ۵۴سالگی؛ بازیگر باشو در فیلم سینمایی باشو غریبه کوچک که چند سالی است از طریق فروش سیگار در دکه سیگارفروشی روزگار می‌گذراند، با انتشار این عکس نوشت: «سلام باشو غریبه کوچک هستم؛ بدانید که ای که نمی‌دانید مسئولین و خانه سینما تهران آیا من سهمی ندارم و هیچ سهمی به من ندادن.»

قاب تاریخ ۱

از دنیای زنان در عصر قاجار؛ زینت الحاجیه و اقدس بقائی در میان اقوام... از راست: اقدس بقائی (دختر فرخنده خانم و میرزا حسن‌خان بقائی)، نوابه خانم (خانم نواب)، گیتی خانم (نوه زینت الحاجیه)، فخرالملوک، شاه بی‌بی خانم [اکرمی]، زینت الحاجیه؛ بقیه ناشناخته هستند.

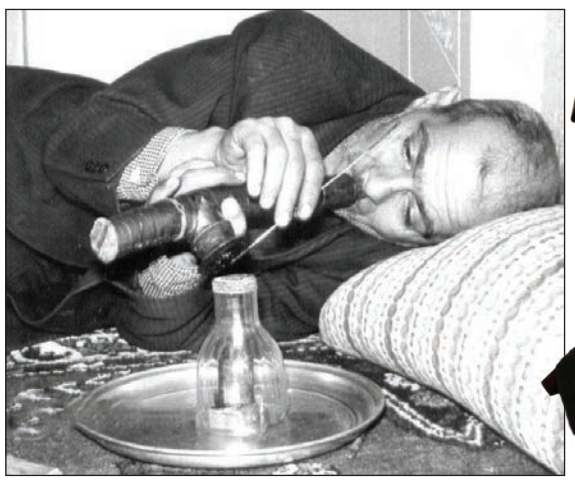

قاب تاریخ ۲

تهرانی‌ها در سال ۱۳۳۴ چقدر تریاک مصرف می‌کردند؛ شهریور ۱۳۳۴ عرضه دولتی تریاک در دو نقطه تهران و همچنین حمله به شیره‌کش‌خانه‌ها در صدر اخبار رسانه‌ها قرار داشت. روزنامه اطلاعات گزارش جالب و جامعی در این باره منتشر می‌کند. مثلا وقتی میزان فروش حب تریاک بالا رفته بود، مسئولان محترم برای اینکه معتادان عزیز در صف نمانند و از ازدحام جمعیت کم کنند، علاوه بر شعبه مرکزی، دو شعبه دیگر هم افتتاح می‌کنند تا روزی یکصد هزار حب به فروش برسد.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

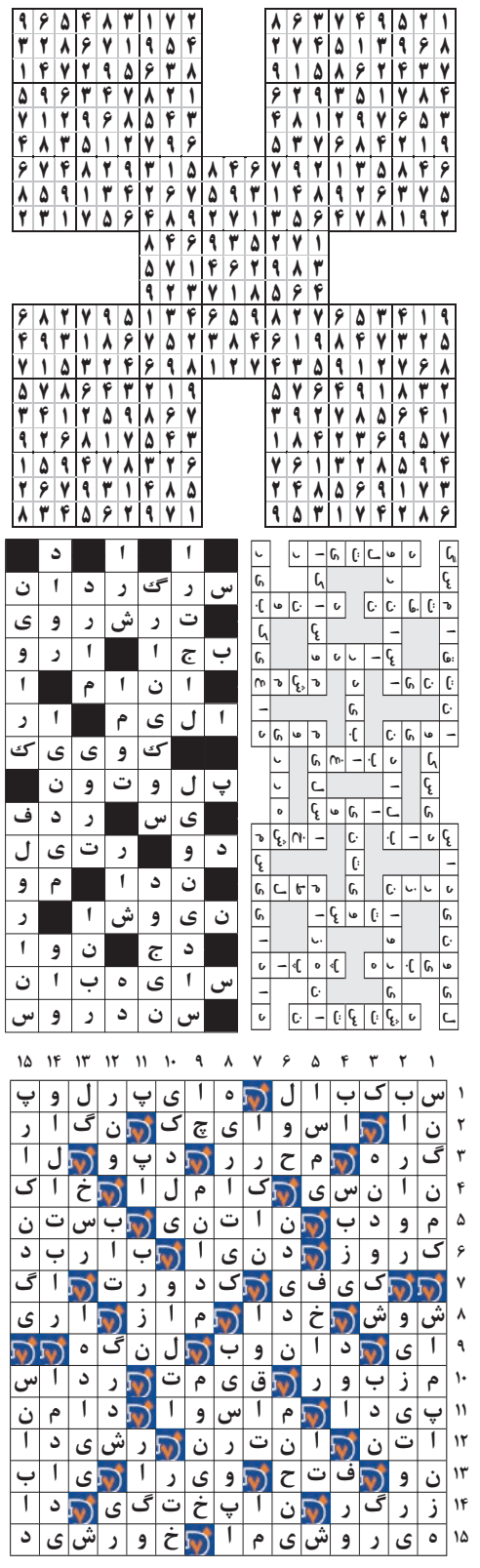

لغت‌یابی

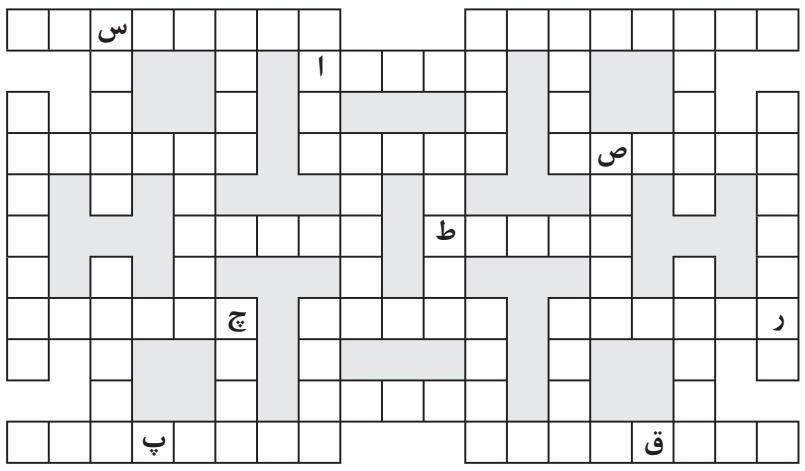

توضیح

کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴حرفی: تاکو، چلیک، مرجو، منات، نرسی، ورتر، هرات، یوتا

۵حرفی: احباط، ادراج، ارصاد، انطفا، تارتو، تامیل، ریشتر، سردیس، سمیرم، صدابر، مهزوم، نویسا، هارلم، یرموک

۶حرفی: استقصا، چکدرمه، رومارن، ریویرا

۷حرفی: پاندورا، هادی شهر

۸حرفی: تروموسفر، سومقاییت، کنراد یکم، ویکی پدیا

جدول شرح در متن

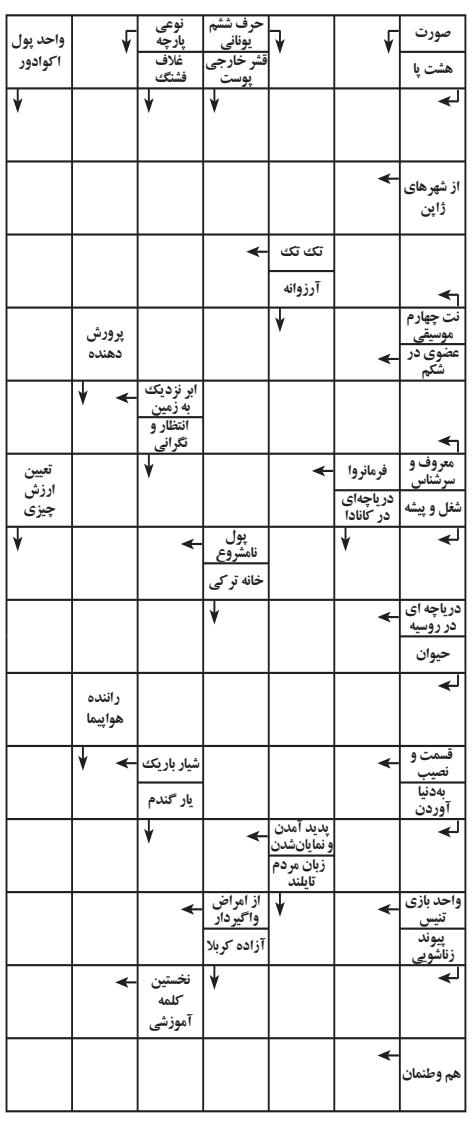

سودوکو

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.

قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

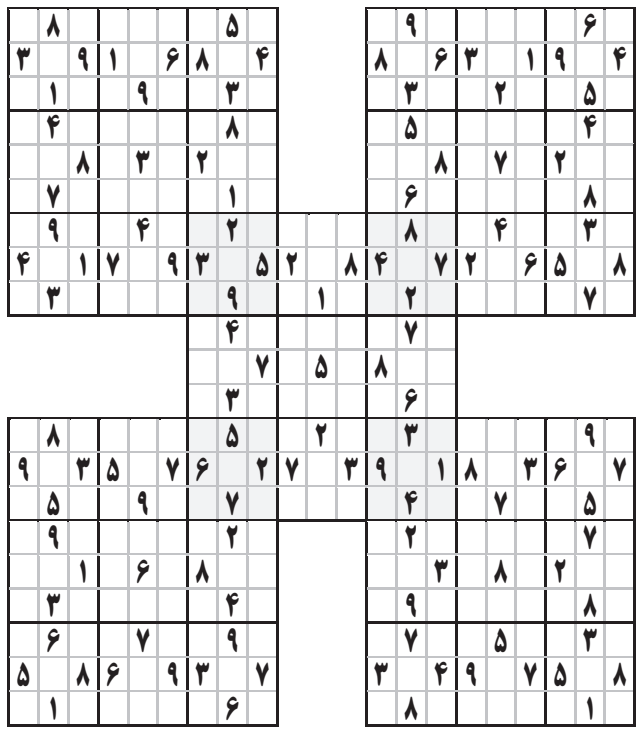

جدول کلمات متقاطع

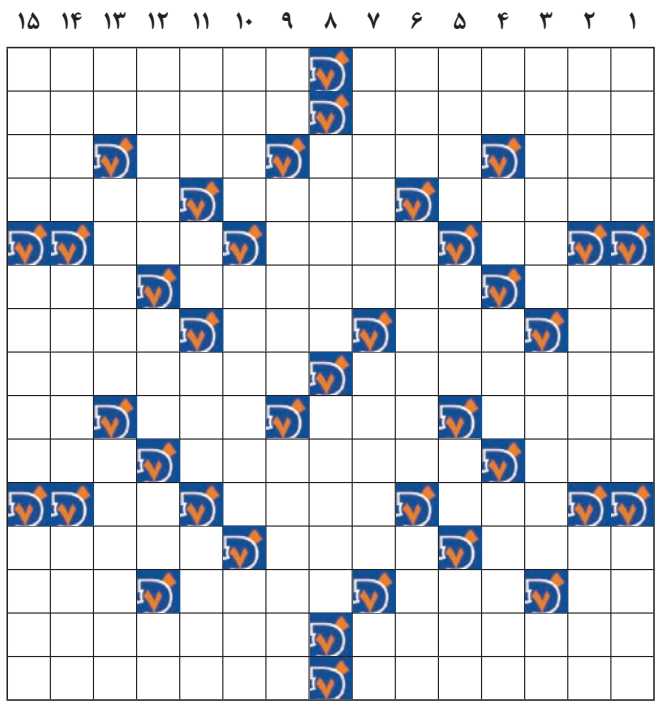

افقی

۱- ایالتی در آمریکا- حادثه بسیار ناگوار
۲- دریایی در آمریکای مرکزی- موشک زمین به زمین
۳- حقه- طایفه‌ای از ایل بختیاری- از سوغات مشهد- گیره سر خانم‌ها
۴- به اشتباه افتاده- قدرت و توان- کمک
۵- حرف V- جانور تک‌سلولی- زبانه آتش
۶- گودال و مغاک- حق التدریس- از شهرهای استان همدان
۷- نماد شیمیایی گوگرد- امیدواری- پند دادن- عرض
۸- پایتخت اندونزی- تعلیم و آموزش
۹- مقابل آمدن- پشت سر و عقب- جای قرار و آرام- مزه خرمالو
۱۰- مردمی- عبور کالا از کشوری به کشور دیگر بدون پرداخت گمرگ- ساخته شده از نی
۱۱- بسیار زیاد- نوبت و مرحله- پرنده دریاچه
۱۲- در دریا فراوان است- شمشیر زن- آشوب و ازدحام
۱۳- از اعضای تنفسی- برزن- شهری در استان کردستان- به جا آوردن عهد
۱۴- حکومت پادشاهی- عمران و سازندگی
۱۵- نوی آش- شیرینی قزوین

عمودی

۱- گرامی تر- ناگزیر و ناچار- مومی
۲- امپراتوری آلمان- فرودستان- فتنه
۳- از گیاهان طبی- لوح سنگی- توان
۴- به‌دنیا آوردن- حرف دوم انگلیسی- بالای پا- گیاهی با برگ‌های بلند
۵- وزیر افراسیاب- از مصالح ساختمانی- زمین‌شوی دسته‌دار- پرهیزکاری
۶- بسیار درخشان- ناشی و غیر حرفه‌ای- کشوری آفریقایی
۷- چاشنی فالوده- از روی اختیار- حرف دهن‌کجی
۸- از شهرهای ژاپن- بخشش در راه خدا
۹- بالابر ماشین- قالب شعر خیام- سوغات مشهد
۱۰- از اشعه‌ها- مدرسه خواجه نظام الملک- از بیماری‌های واگیردار
۱۱- فندق هندی- زیر پا مانده- ریزبینی و موشکافی- دنیا
۱۲- کارهایی که نفع و خیر همه در آن باشد- بابا- بنده زر خرید- مردن از غصه
۱۳- زیر نیست- نمایش نامه‌ای از آریستوفان- بعد از خردسال
۱۴- حیوان صحرانورد- حیات- جنگ و پیکار
۱۵- برنجی که هنوز پوستش کنده نشده- شهری در فرانسه- تکنیکی در فوتبال